

از کمیته مرکزی

فراخوان مشترک به کنفرانس جهانی صلح

در صفحه ۲

پیام به مناسبت چهل و نهمین سالگرد

تاسیس حزب توده ایران در صفحه ۳

"لبیک یا آمریکا!"

افشا، مذاکرات پشت سری نما بندگان  
خمینی و ریگان در تهران، ختم وانزجار شدید  
مردم ایران و جهان را برانگیخته است. فاش شدن  
این مذاکرات بگونه‌ای عبرت‌آمیز است. فاش شدن  
دروغگوی وریاگری رژیم ایران و دولت ریگان  
را در برابر جهان نشان به نمایش گذاشت وحتی  
متحدین و دوستان نزدیک آنان را نیز عبرت  
زده کرد. این رویداد در افشا، ماهیت و مقاصد  
ارتجاعی رژیم ملأها حرف آخر را زده و دیگر  
جایی برای روضه خوانی‌های "فدا میبایستی"  
آقایان باقی نگذاشته است.

اصل واقعه از چه قرار است؟ در این باره  
ماه گذشته مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های  
سراسر جهان مطالب بسیاری گفته‌اند و از همه  
جریبات تا حد ممکن بهره برداشته‌اند. اگر  
بخواهیم چکیده اینهمه را در اینجا منعکس  
کنیم کافی است که به خلاصه‌ای از اظهارات  
آخوند رفسنجانی و رونالد ریگان اشاره کنیم.  
رفسنجانی که به نمایندگی از خمینی همه امور  
مربوط به احیاء و گسترش رابطه با آمریکا را در  
دست خود متمرکز کرده است، طی سخنانی به  
مناسبت ۱۳ آبان برده از ماجرا برداشت. او  
گفت که ژاپن یکی از واسطه‌های اصلی آشتی  
رژیم خمینی و دولت ریگان بوده و در جریان  
مخروبی به ژاپن، در این باره با وی مذاکره  
کرده‌اند. رفسنجانی درباره اقداماتی که پس  
از سفر ژاپن انجام گرفت، گفت:

"وقتی برگشتیم به ایران دنبال همین مسئله  
آقای نخست وزیر ژاپن یک نامه مفصلی به ما  
نوشت. من جواب دادم به آقای نخست وزیر  
ژاپن... بعد از جواب نامه من آقای فوجیوآمد  
ایران... او گفت آمریکا نباید... میخواهند  
حکومتی را از آنجا بکنند و ما فرزند را خود  
حکم نیت نشان بدهند... نامه‌ای به آقای  
ناکا زونه نوشتیم که من تردید دارم که  
امریکا آنها را است بگویند ما دقیق باشند...  
گفتم اگر ما بفهمیم که آمریکا ما دقیق است ممکن  
است برای حل قضیه وارد عمل شویم... دنبال  
این... وزیر خارجه ژاپن با زنا مسئله  
نوشت و گفت که آمریکا بی‌شمار تهدید کرده است  
که ما دقیق باشند... آخرین بار خواهش کردم که  
سفیرشان به ما جواب مرشاد بکنند..."

بدینگونه آخوند رفسنجانی باطلاحه بیست  
خمینی بطور رسمی از آمریکا بی‌شمار دعوت بعمل  
آورد که بیایند و مذاکره کنند. یک سری  
از موضوعات درخواستی رژیم ایران اجرائی  
قرار داده‌ای تسلیحاتی شاه - آمریکا بود که  
رقم آن بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار می‌شود  
رفسنجانی چند سال پیش یعنی در ۲۳ دیماه ۶۲  
درباره این قرار داده‌ها گفت:

"ما یک قراردادهایی داشتیم با آمریکا، یک  
جریان خرید بود، و زمان شاه از آمریکا  
اسلحه خریدند، در حدود ۲۰ میلیارد دلار (به  
ارزش ۲۰ میلیارد دلار)"

اوتا کید کرد که:  
"اجرای این قرارداد بدست آوردن این  
سلاحها برای مردم ایران شام واجب تر است."  
پس از دعوت رسمی رفسنجانی، هیات نمایندگی  
امریکا به سرپرستی مک فارلن به تهران آمد  
رفسنجانی درباره جریان سفر این هیات میگوید:  
بقیه در صفحه ۲

برخی سئوالات سوالی خمینی

در صفحه ۶

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

همدستی خمینی و ریگان برای ادامه جنگ و کشتار در ایران

هم میهنان مبارزان

مردم انقلابی و میهن پرست!

رژیم خمینی با رد بکر شیرکین خود را بسوی شما  
تسلیم کرده است. اکنون خیانت تازه رژیم به  
مردم و میهن ما در جریان است. این بار شیطان  
چهاران دست در دست شیطان بزرگ، امپریالیسم  
آمریکا نهاده است. آخوندهای مرتجع که سعی  
میکنند با شعار "مرگ بر آمریکا" خود را نزد شما  
انقلابی جلوه دهند، اینک کوس رسوایی شان در  
چهار گوشه جهان بمدار آمده است. همه دنیا متوجه  
شده است که رژیم خمینی در خفا و از مدتها پیش  
مشول معامله و مذاکره با آمریکا بوده است. هم  
دولت ریگان و هم رژیم خمینی فاش کرده اند که  
از یکسال و نیم پیش نقشه آمریکا برای نزدیکی  
و همکاری با رژیم خمینی به اجرا گذاشته شد و  
طرفین مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم متعددی در  
این زمینه داشته‌اند. ریگان طی یک سخنرانی  
رسمی گفت که تماس‌های مخفی دولت‌های آمریکا

بقیه در صفحه ۲

عملیات مشترک سیا و جمهوری اسلامی

در سرکوب حزب توده ایران و

توطئه علیه دیپلمات‌های اتحاد شوروی

در آخرین لحظاتی که نشریه کار برای چاپ آماده  
میشد، اسرار بسیار مهم دیگری از همکاری آمریکا  
و "سیا" با جمهوری اسلامی فاش شد که رادیو آمریکا  
به نقل از روزنامه واشنگتن پست با آب و تاب به  
بخش آنها مبادرت نمود. مطابق این اطلاعات  
سازمان سیا از مدتها پیش نقشه‌ای را به اجرا  
گذاشته که هدف آن اولاً بستن جمهوری اسلامی  
با زنجیر آمریکا و ثانیاً سوق دادن آن به رودرویی  
با اتحاد شوروی بوده است.  
به نوشته روزنامه واشنگتن پست سازمان سیا  
برای نزدیکی رژیم به آمریکا از یکطرف و ارسال  
مدنی‌ها را با میلیون‌ها دلار جبرمکروبی در یوزگی  
و اسلام‌نمایی در استان آخوندها روانه می‌ساخت  
و از طرف دیگر شاه پرستان را با میلیاردها دلار  
و تجهیزات مدرن و رادیوهای نیرومند به عنوان  
لولوی سرخرمن و مشترک رژیم تقویت می‌کرد.  
به موازات اقدامات فوق، سیا با همکاری  
سازمان‌های اطلاعاتی انگلیس توطئه‌ای را طراحی  
می‌کنند که مطابق آن بی‌باست حزب توده ایران  
سرکوب شود، رابطه شوروی و ایران تیره گردد  
و هیستری ضد شوروی دام نر زده شود تا بدینوسیله  
راه برای احیای نفوذ آمریکا در ایران  
و بازگشت جمهوری اسلامی به حلقه محاصره  
شوروی تسریع گردد. مطابق این اطلاعات در  
توطئه مشترک سیا اینستلیجنت سرویس و ساواک  
خمینی علاوه بر سرکوب حزب توده ایران  
و بازداشت هزاران نفر و اخراج دیپلمات‌های  
شوروی، نزدیک به ۲۰۰ نفر که سیاسی‌آنها

تلاش رژیم‌های ایران و عراق برای  
درگیر کردن برخی از نیروهای مبارز

هشیارباشیم توطئه دشمن را خنثی کنیم!  
رهنمود به واحدهای گروه‌های آسیب دیده  
در صفحه ۵

رابطه خمینی تحویل داد ولی تاکنون نام آنان  
را اعلام نکرده است اعدام شدند.  
این روزنامه می‌نویسد که هدف سیا از همه  
این اقدامات به هیچوجه سرنگون کردن رژیم  
خمینی نبوده است  
واشنگتن پست در افشای دیگری می‌نویسد که  
فروش اسلحه آمریکا توسط اسرائیل زیر نظر  
امریکا انجام میگرفته است و دلایل  
شخصی بنام منوچهر قربانی فرد بوده که با  
نیم رودی از مواد، سازمان اطلاعات اسرائیل  
مرتبط بوده است. خلاصه‌ای از جزئیات نخست وزیر  
اسرائیل و موافقت کاخ سفید تحویل سلاحها  
را عملی می‌کرده است.  
بدون شک آنچه که تاکنون برملا شده فقط  
گوشه بسیار کوچکی از قضایای است اما همین  
اندازه نیز کافی بوده که به خمینی و همدستان،  
هزارچهره اش فریاد کوبیده زند. این  
افشاگرها در عین حال صحت پیش بینی‌های  
سازمان ما را یکبار دیگر اثبات میکنند  
سازمان ما در بولتن حزب توده ایران و شوروی  
اهداف توطئه علیه حزب توده ایران و شوروی  
نوشت: "امپریالیسم اکنون در جمهوری اسلامی  
بدست عوامل ساواک، سیا، استلیجنت  
سرویس موفق شده است به حزب توده  
ایران ضربه بزند" (ص ۹ حکم  
تاریخ پیش میروند)

این پیش بینی‌ها در آینده نیز با حفا سبق  
تازه‌ای که از برده برون می‌افتد باز هم  
اثبات خواهد شد و سران سالوس و مکار رژیم  
خمینی را رسواتر خواهد ساخت. آری، اکنون همه  
مردم بخوبی عامل "امدادهای غیبی" امام  
چهاران را بازمی‌شناسند و چشم خود می‌بینند  
که چگونه آخوندهای مرتجع طی سال‌ها، سال  
فرشتگان را برتن جاسوسان سیا نقش می‌کردند!

- ☆ درباره یازدهمین کنفرانس جهانی صلح در صفحه ۶
- ☆ سرکوب و اعدام انقلابیون در بحرین در صفحه ۹
- ☆ اعدام انقلابیون در اندونزی در صفحه ۱
- ☆ ورزش دوستان در ایران رژیم در صفحه آخر
- ☆ گامی دیگر در تبدیل شوراها به سندیکاهای زرد و فرمایشی در صفحه ۶

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

تیک ۵۰۰۰  
یکی از هواپیماهایی که برای ما اسلحه (قاچاق) می‌ورد... اما زه گرفت که اسلحه‌اش را در فرودگاه مهرآباد پنهان کند... کمانی که بعنوان خدمه هواپیما از زور و دروغ گرفت... بودند و فریب‌دهنده، اما طایفه ایرلندی هم پنهان داده بودند... بیما اطلاع دادند که این آقایان که از هواپیما پنهان شده‌اند می‌گویند ما آمریکا - بیما هستیم و برای مسئولان کشور شما آقای ریگان و مسئولین آمریکا بیما آوزدیم... گفتند که مک فارلن هستند و می‌گویند که مک فارلن هم زما ورین آقای ریگان هستند... بیما آوردند برای مقامات ایران و هدیه‌هایی فرستادند آقای ریگان برای مسئولان کشور. هدیه برای هر کدام از آنها یکدانه اسلحه کمری آقای مک فارلن گفت که شانس در خانه تان آمده، آمده ایم مشکلتان را حل کنیم. فضای شما در تصرف هواپیماهای عراقی است. ما آمده ایم مشکلات شما را حل کنیم.

فرتسجانی در جای دیگری از صحبتش گفت: "آقای ریگان یکدانه نچیل را آورده‌اند... یکی از بابت آن نچیل را توش نوشتند که مضمونش اینست که خدا ما را با هم هستند و برای اهداف دنیا متحد هستند و این جور چیزها ریگان با خط خودش نوشته و امضاء کرده برای اعتماد ما..."

اظهارات رونالد ریگان درباره مذاکرات دولت گفته‌های آخوند ایرانی را تکمیل و جاگه واقع را بر متن نقشه سیاست آمریکا بدقت ترسیم میکند. ریگان که زبانش مردم آمریکا و در نتیجه افشادن رسوایی آمیز نقشه سرایش ناچار به توضیح شده بود، در این باره گفت: "اکنون ۱۸ ماه است که تماس‌های من با آقای ریگان در ایران جریان داشته است. در طول مذاکره با ایران اجازه دادم مقدار کمی از اسلحه‌های دفاعی و قطعات بزرگ برای تجهیزات دفاعی به ایران منتقل شود...".  
ریگان در ادامه سخنان خود دیگر با علم کردن "خطر شوری و بر ملا ساختن ماسع استعماری امپریالیسم آمریکا در قبال کشور ما گفت:

"ایران دارای یکی از حیاتی‌ترین موقعیت‌های جغرافیایی است. ایران در مسیر شوری به آسیای گرم اقیانوس هند قرار دارد... علاوه بر موقعیت جغرافیایی‌اش منابع نفت ایران برای سلامت دراز مدت اقتصاد جهانی حائز اهمیت است. بدین دلایل مصالح ملی حکم میکند که مراقب تحولاتی در ایران باشیم که امیدی نسبت به بهبود روابط دو کشور بوجود می‌آورد...".  
ریگان در ادامه سخنان خود با اشاره به سفر هیات آمریکا به ریاست مک فارلن به ایران افزود:

"مک فارلن و مقامات ایران مدت چهار روز به نحوی مذاکره کردند...".  
ریگان با دفاع کرده مک فارلن از سوی ایران اختیار را برای مذاکره با ملاحظاتی ایران بود  
موضوع مذاکره رژیم خمینی و دولت ریگان شامل مسایل متعدد اقتصادی، سیاسی و نظامی است که طبیعتاً می‌بایست به برقراری مناسبات رسمی و علنی میان دو دولت، در همه زمینه‌های فوق بیانجامد. در شرایط جاری مسئله همکاری دولت ریگان و رژیم خمینی برای ادامه جنگ

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان ●●●●● بقیه از صفحه اول هموطن

رژیم تبهکار جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ ویرانگر برای ادامه کشتار و ویرانی، برای ادامه حیات تنگنای خود که سراپا بخون شریف‌ترین فرزندان این سرزمین آغشته است، وارد خطرناکترین معامله با امپریالیسم آمریکا شده است. رژیم خمینی تداوم جنگ و "پیروزی" در آن را با سر نشود خود عین می‌بیند و در این راه حاضر به هر بندوبستی است. از این ترواخرین دستاورد برجسته انقلاب بهمین، یعنی قطع نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم جهانخواه آمریکا را اکنون وسیله معامله با بزرگترین دشمن مردم ایران و جهان قرار داده‌اند. ریگان و خمینی هر دو خواهان ادامه و گسترش جنگ به قیمت نابودی ایران و عراق هستند. امپریالیسم آمریکا رژیم خمینی هر دو این جنگ ویرانگر را بزرگترین نعمت میدانند. آمریکا و رژیم خمینی هر دو سرکوب و کشتار انقلابی‌سوز و میهن پرستان ایران و بخصوص کشتار روسکوب کمونیست‌ها را میخواهند. آمریکا رژیم خمینی هر دو میخواهند مبارزات مردم ایران سرکوب و صدای حق طلبانه شما خاموش گردد. ریگان و خمینی در توطئه علیه انقلاب افغانستان، در توطئه علیه جنبش انقلابی و ترقیخواه عراق، در توطئه علیه جنبش انقلابی منطقه و در خصومت

ویرانگر ایران و عراق در راس دیگر مسایل قرار دارد.  
علت نزدیکی فزاینده جمهوری اسلامی به کشورهای امپریالیستی اساساً در ماه هیست بورژوازی این رژیم نهفته است. نثریبه کنار چهار ماه پیش در مقام‌های تحت عنوان "بعد از فرانسه نوبت آمریکا" (کار - شماره ۳۰) بار دیگر هم علت نزدیکی فزاینده ملاحظه به غرب و هم قریب الوقوع بودن آشتی آنها با آمریکا را مورد تأکید قرار داد و نوشت:

بنیاد رژیم جمهوری اسلامی بر غسارت توده‌های کارگر و رنجبر و انباشتن کبیسه سرمایه داران و استثمارگران، سرکوب مردم، جنگ طلبی و بربریت استوار است. در جهان معاصر هر رژیم با چنین مشخصاتی بطور عینی و بالطبع در چارچوب "خانواده سرمایه - داری" جای‌تی قرار دارد و از هر کجا که شروع کند و به هر ادعایی که بپردازد، راهی جز اتحاد و اتفاق با دیگر اعضای این دودمان کثیف و ضد بشری ندارد. نمی‌توان در خانه خود واحدی زیست و تا اندک دیگر اعضا "مخبرگان" خانواده قهر بر سر بود و مخصوصاً با "شخص خانوادگی چنانچه معمولاً، و اما همانگونه که ما از آغاز گفته‌ایم،

جنگ ایران و عراق عمده ترین اهرم امپریالیسم برای تسریع روند نزدیکی و اتحاد جمهوری اسلامی با غرب بود و هست. ما بارها و بارها بدقت چگونگی تأثیر جنگ در تسریع نزدیکی رژیم ملاحظه به غرب را با ذکر دید و حتی شگردهای رژیم خمینی برای وسیله قرار دادن جنگ جهت آشتی با غرب و آمریکا را مورد موافقت کرده‌ایم. ما در شهریور ماه سال ۶۲ یعنی بیش از سه سال پیش گفتیم:

"اخیراً در جمهوری اسلامی تعبیر خاص دیگری از شعار "جنگ" مسأله اصلی است" ارائه میشود. محافل در حکومت و پیرامون آن اینطور مطرح میکنند که گویی امپریالیسم مسأله اصلی نیست. صدام مسأله اصلی است. اکنون بیم آن می‌رود که در جمهوری اسلامی سیاست در پیش گرفته شود که به امپریالیسم می‌گوید: در هر حال ایران برای شما بهتر است. از عراق است. بجای صدام از ما حمایت کنید... (مسایل انقلاب و مواضع ما)

کارتشاه ۳ (اردیبهشت ۶۳) در مسأله تحت عنوان "ادامه جنگ وسیله سازش با آمریکا" همین تحلیل را با زکوة و اثبات نمود که جمهوری اسلامی "قطع حمایت غرب از صدام را وسیله نزدیکی و کنار آمدن خود با آن "قرار داده است. تمام رویدادهای این سالها بدقت و قاطعیت محتابین تحلیلها را اثبات کرده‌اند.

هم اکنون رژیم خمینی خواهان ادامه این جنگ "پرپرکت" هستند. آمریکا برای رام کردن کامل رژیم ملایان و تقویست مایع خود در منطقه نیاز دارد که این جنگ تداوم یابد و برای ادامه آن تاکنون به طریقی مختلف اسلحه در اختیار رژیم ایران قرار داده است. جمهوری اسلامی نیز برای ادامه این جنگ به اسلحه و دوستی آمریکا نیازمند است و برای "پیروزی در جنگ" حاضر است با "شیطان بزرگ" هزار بار بیعت کند. از این رو جنگ هم جاده صاف کن راه آشتی رژیم جمهوری اسلامی و دولت آمریکا است و هم حلقه اتصال اصلی در مجموع روابط و مذاکرات آنها.

نکته مهم این است که رژیم خمینی از آمریکا میخواهد که در زمینه تامين تسلیحات

با کشور همسایه اتحاد شوروی آماج‌های مشترک و هم‌نواپی‌های بسیاری دارند. بهمین علت این رژیم خائسانه و پنهان از چشم شما با شیطان بزرگ وارد معامله شده است

هموطنان! زحمتکشان و روشنفکران مبارز!

روحانیون مرتجع ایران را سیاه پوش و عزا دار کرده‌اند، بها آزادی را بخون کشیده‌اند، سرفه شما را خالی، کارخانه‌ها را تعطیل و روستاها را ویران کرده‌اند. این دزخیمان جوانهای ما را میکشند، فرزندان انقلابی ما را به بند می‌کشند و سلاخی میکنند، حقوق و حرمت زنان را با پول میسازند و به شرف و حیثیت همه مردم توهین میکنند. اینان اکنون برای ادامه این خونریزی‌ها و تبهکاریها به معامله با امپریالیسم آمریکا نشسته‌اند. برای قطع این فجایع باید هر چه قاطع‌تر به شیردین رژیم هم چیز درگرو عزم و اراده ما، درگرو اتحاد و مبارزه ما است. رژیم استم آخوندی در بحسبان غوطه وراست، با پاهای این رژیم هر روز مست‌تر میشود. در خود هیات‌ها که اختلاف و کشاکش هر روز شدیدتر میگردد، باید با عزم قاطع به شیردین رژیم باید همه اشکال اعتراض و مبارزه علیه رژیم را گسترش دهیم، در سراسر کشور باید بانگ زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی و مرگ بر

همان رابطهای را با وی برقرار کنند که با رژیم شاه برقرار کرده بود. یعنی بطور مشخص رژیم ایران خواهان اجرای تام و تمام قراردادهای غارتگرانه تسلیحاتی شاه - آمریکا است. چنین خواستی بخودی خود برترقشه آمریکا برای ساز - سازی مجموع مناسبات طرفین مطابق مناسبات آمریکا با رژیم شاه انطباق دارد. لیکسن آمریکا برای اجرای این خواست خمینی نیاز داشت که به اندازه کافی به گسترش "روندهای درونی مثبت" در جمهوری اسلامی اطمینان یابد. تعمیق خصایل بورژوازی رژیم ارتجاعی ولایت فقیه و کارنامه خونین آن علیه کمونیست‌ها و انقلابیون ایران، دستمایه شیر و منداپسند اطمینان را برای آمریکا فراهم آورده است.

تشدید دشمنی این رژیم قرون وسطائی بیجا کمونیست‌ها و ضدیت آن با اتحاد شوروی و جامعه شورهای سوسیالیستی سرچشمه اصلی امید و اطمینان امپریالیست‌ها به آن است. در واقع انجیل اهدایی ریگان به خمینی و تکیه وی بر "اتحاد ادیان الهی" نمودار گویای آرزوی او برای ایجاد یک "تحد مقدس" علیه اتحاد شوروی در این سوی خلیج فارس است.

افشاء مذاکرات سری یکسال ونیمه رژیم خمینی با دولت ریگان بر عوا مفریبی‌های ملایان ضربتی سنگین وارد ساخت و حتی در میان پیروان ساده دل و افسون شده "امام" تلاطم جنسی پدید آورد. اگر توجه کنیم که عده‌ای از شیروهای دین جمهوری اسلامی و طرفداران امام در صورت اعزیمید و افشاء مذاکرات دست داشته و حتی چند آژانسان نیز در همین رابطه بازداشت شده‌اند آن گناه وسعت تأثیر این رویداد در کل کشور بیشتر آشکار میگردد. رژیم خود به حساسیت شدید مردم ایران نسبت به تشدید مناسبات ضد ملی با دولت آمریکا واقف است. از همین رو طی این مدت بشدت کوشید تا مردم هیچ بویی از ساخت و ساختن پاخت‌های پشت پرده آنها با شیطان بزرگ نبرند. امروز نیز حکومت بدلیل هراس از مردم مصرا نه سعی میکند تا زویدین‌های زیر زیرکی وی با آمریکا بفرا موشی سپرده شود و با تکسار شعار های پوچ ضد آمریکا به حاد شده سازیهای فریبکارانه خود را از مسیر سیل خشم و نفرت خلق کنار بکشد. اما به گواه اظهارات خود حکومتیان مذاکرات با آمریکا نه تنها قطع نخواهد شد بلکه کوشش میشود تا هر چه سریعتر در سمت بسط توافق و همکاری بین دو ارتجاع پیش برود و جنبه علنی و مشروع" می‌یابد. پیش در آمد آشکار این وضعیت نامیمون مذاخله علنی و تأکید شده آمریکا در شعله ورتکا هداشتن جنگ ایران و عراق از طریق ارسال اسلحه به ایران است.

در چنین شرایطی همه شیروهای انقلابی می‌باید با تمام قوا بر سر گسترش حداکثر افشاکاری علیه اقدامات تبهکارانه رژیم خمینی بکوشند و یک لحظه فرصت عوام فریبی به آن ندهند. تعرض و تشا جم افشاکرانه ما در میان اقشار مختلف مردم، در میان طرفداران فریب خورده جمهوری اسلامی، در ارتش و سپاه و بسیج و حتی در همه مدرسه‌های علمیه و مساجد و محافل مذهبی باید با قدرت و قاطعیت و بدون یک لحظه درنگ جریان یابد. ما باید کارگران، زحمتکشان و روشنفکران خلقی را با بهره گیری از همه امکانات تبلیغی نسبت به ایجاد خیانت رژیم آگاه کنیم و حداکثر نفرت و کین آنها را علیه این شیاطین حقیر و خونین جنگ برافروزیم ●

امپریالیسم آمریکا را در سه رسا ترسایم و برای سرنگون کردن این رژیم خونخوار رها خیزیم.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

**با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.**

### پیام به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران

رفقای گرامی!  
همراه با درودهای رفیقانه فرارسیدن چهل و پنجمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را به شما و همه اعضا و هواداران حزب برادریک می گویم.

حزب توده ایران بمناسبت حزب طبقه کارگران وادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران قدیمی - ترین نیروی ترقیخواه کشور است که طبعی نزدیک به نیم قرن فعالیت خود در راه تحقیق آرزوهای بزرگ توده های میهنمان را رزمیده و بهمین دلیل همواره آماج ستیز و سرکوبی امپریالیسم و ارتجاع و سرکوبگر خمینی نژاد پوروشاهی است. اما این آبروی از همان موضع خصومت نسبت به ما هیت مردمی و انترناسیونالیستی حزب شما دست به چنایت زد. اما حزب توده ایران علیرغم این یورشهای بربرمنشانه باز همچنان با برجا ماندن رژیم مروج و مستبد خمینی در رسیدن به آرزوهای واقعی و هدف ارتجاعی ناپذیری حزب ناکام گردید.

رفقا!

اکنون در آستانه چهل و پنجمین سال تاسیس حزب شما میهن ما یکی از سیاه ترین مراحل تاریخ خود را میگذراند. رژیم ارتجاعی خمینی با تسادوم جنگ جنایتکارانه و خانمانسوز، با تشدید خفقان و قرون وسطایی و با حمایت بی دریغ از فاشیسم گمگشته کارگران و همه توده های خلق، کشور ما را به تباهی و ویرانی و تلاکت بزرگ کشا نیده است. این رژیم مانع اصلی تحقق آرزوهای و آمال انقلابی و دموکراتیک توده ها و سدمعده تحول انقلابی جامعه ما است. در شرایط کنونی سرکوبی این رژیم شیکار و وظیفه ناخبرنا پذیر همه نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور است. تحقق این آماج لزوماً تا مین اتحاد نیروهای انقلابی و دموکراتیک و مترقی کشور است که با سازمان و حزب شما بر آن تاکید کرده اند. دست می کنند. اتحاد عمل و همکاری های جاری سازمان و حزب و نیز دعوت ما از سایر نیروهای مترقی برای اتحاد عمل و همکاری با شما برای تشکیل یک مشترک ما درقبال نیاز مبرم جنبش انقلابی کشور است.

رفقا!

تا مین وحدت پیروان سوسیالیسم علمی

### برگزاری کنگره جهانی به مناسبت سال جهانی صلح

از روز پانزدهم تا نوزدهم اکتبر کنگره جهانی بمناسبت سال بین المللی صلح در کپنهاگ پایتخت دانمارک برگزار گردید. در این کنگره بیش از ۱۰۰۰۰ جنبش فد جنگ، نزدیک به ۶۰ سازمان بین المللی و بیش از ۲۳۰۰ نماینده شرکت داشتند. شعاری که بر تارک کنگره نقش بسته بود، عبارت بود از: "برای حفظ صلح و آینده بشریت."

در این کنگره که می توان آنرا بیسکی از برجسته ترین گروه های ضد جنگ بحساب آورد، شرکت کنندگان تنها ما در قبال بلبله جنگ هسته ای و جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و گسترش آن به فضا تاکید کردند. ما بر پرزور و کوشش در برابر کل سازمان ملل متحد پیام تلویزیونی برای شرکت کنندگان فرستاد. لافونگر رئیس کنگره در نطق افتتاحیه آن از سببی نتیجه ماندن مذاکرات ریکیا و یک اظهار تاسف کرد و اظهار داشت: "سلاحهای هسته ای چیزی فراتر از سلاحهای جنگی هستند، سلاحهای هسته ای سلاحهای نابودی جمعی هستند، سلاحهای هسته ای ابزار برای نابودی نوع بشر و تمدن و حیات بشری است. سیاره ما هستند، بیدرستی گفته شده است که ما اولین نسلی هستیم که به این توان بالقوه برای نابودی زندگی بروی کره زمین دست یافته ایم. سرنوشته بشریت بر روی پرده قرار گرفته است. انتخاب مرگ و زندگی در مقابل چهره جهان قرار گرفته است. رئیس کنگره گفت: "طرح دفاع استراتژیک، جنگ ستارگان، تهدیدی است در جهت افزایش مسابقه تسلیحاتی و گسترش آن به فضا" و "اکنون ما و تمام نیروهای صلح در جهان می باید تلاش های فوق العاده ای را صرف توقف مسابقه تسلیحاتی و محور نابودی تمام سلاحهای هسته ای بر روی زمین سازیم. کنگره ما همکاری اساسی و ارزشمندی را در راه تحقیق بین هدف پایه ریزی خواهد کرد. برای تا مین صلح و آینده بشریت. بعد از اجلاس افتتاحیه کنگره، در ۷ مرکز

بر اساس ما رکیسم - لیننیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برنا ما سا ستامه و اتحاد در حزب واحد طبقه کارگران ایران وظیفه خطیری است که در برابر کمونیستهای ایران قرار دارد. مبارزه ما و شما در راه حفظ و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان و حزب و جل رفیقانه اختلافات جهت دستیابی به برنا ما سا ستامه و اتحاد و هدفتیل به وحدت فکری و خدمت تا مین منافع طبقه کارگران قرار دارد. برای وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد باید بین آنان همکاری ها بر سر آماج ها و اهداف مشترک گسترش یابد، اشکال متنوع و موثر مبارزه آید و لولویک علیه هرگونه انحراف از ما رکیسم - لیننیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف راست و چپ در جنبش کمونیستی بیگروانه بکار گرفته شود. با تحکیم پیوند با طبقه کارگر روح اعتماد دوواقت - بیینی در جنبش تقویت گردد. بی گمان راه وحدت بفرنج و دشوار است، اما راهی است بیومردنی که نمیتوان بر پیچیدگی های آن چشم فرو بست.

رفقای عزیز!

برای ما سرت بخش است که حزب توده ایران در چهل و پنجمین سال حیات خود علیرغم یورشهای سنگین سالهای اخیر در باسادی از موجودیت خود و با شایر و بیروز با مبارزه خلق در راه سرکوبی رژیم مترج جمهوری اسلامی به مبارزه خود تداوم می بخشد. بی تردید نیاز مبرم جنبش انقلابی میهن ما است که صدای ما هر چه رساتر و شریات و شعارها یمان هر چه گسترده تر باشد کارخانه ها و مزارع، به خیا با آنها و محلات تا جای طیفه کارگر و همه زحمتکشان شهروستان رزمی روزی فر د است.

با اطمینان به پیروزی نهایی جنبش کمونیستی ایران که حزب کمونیست و حیدرخان بنی سادش نهادند، یک بار دیگر فراریدن در چهل و پنجاه کی حزب توده ایران را به شما و رفقای عزیز تبریک گفته و برای همه رفقای همسنگر خود در مبارزه در راه سرکوبی جمهوری اسلامی بخاطر صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم آزادی موفقیت و پیروزی داریم.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پنجم مهر ماه ۱۳۶۵

کمیسیونها بیی بپر، مون موضوعات مطرحه توسط سازمان ملل در سال جهانی صلح و مرکز جوانان و مرکز زنان تشکیل شد. این موضوع ها عبارت بودند از: صلح و عدالت، صلح سلاح، صلح و رهایی، صلح و حقوق بشر، صلح و نیازهای انسانی، زندگی برای صلح و صلح و اعتماد. نمایندگان جمعیت ها و سازمانهای صلح از ۱۲۲ کشور پیرا مون موضوعات بالا به بحث و تبادل نظر پرداختند.

برگزاری این کنگره که بدون شک نقطه عطفی در جنبش صلح طلبانه بحساب می آید، با کار رکنی و فشار نیروهای مخالف صلح در طی ۱۸ ماه تدارک کنگره مواجه گردید. کنگره از زهرگونه کمه مالی دولت محافظه کار دانمارک بی بهره بود و با تحریم اغلب مطبوعات بورژواژی روبرو گردید. انسان علیه نیروهای صلح طلب به تبلیغات گسترده دست زد و شرکت کنندگان در اجلاس را "عوا مل مسکو" نامیدند. در جریان برگزاری کنگره، محافظه کاران ارتجاعی دانمارک و سازمان جوانان در مسکو محافظه کار دستجات معلوم الحال را سازماندهی کرده و کوشش هایی برای ایجاد تشنج و برهم زدن اجلاس بعمل آوردند، ولی این تلاشهای مذبحانسه مؤثر نیافتاد.

شرکت کنندگان در کنگره جهانی صلح در پایان اجلاس اعلام کردند: "ما درخواست می کنیم که به منظور صلح سابقه تسلیحاتی بروی زمین، جلوگیری از گسترش آن به فضا و برای نابودی انواع سلاح های هسته ای، بمناسبت اقدام عاجل آزمون سلاحهای هسته ای بغوریت متوقف گردد و به برنامهای جنگ تسلیحاتی پایان داده شود." شرکت کنندگان بعد از پایان اجلاس در میدان شهرداری در میتینگ با شکوهی گرد هم آمدند و پشتیبانی خود را از هدف های "سال جهانی صلح" اعلام کرده و در دفاع از صلح جهانی پای فشردند.

\*\*\*

از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هیاتی به سرپرستی رفیق مهدی فتاح پور عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان در کنگره جهانی صلح شرکت نمود. نمایندگان سازمان ما در فضا بخش "صلح و حقوق بشر"، "حل مسالمت آمیز

### فراخوان مشترک به کنگره جهانی صلح

در آستانه برگزاری "کنگره جهانی صلح" حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب کمونیست عراق (فراخوان زبیرا خطاب به نمایندگان "کنگره" انتشار دادند:

"به نما یندگی کمونیستهای ایران و عراق گرمترین درودهای نیروهای صلح دوست ایران و عراق را به شما تقدیم می داریم و موفقیت کنگره جهانی را در پیشبرد امر صلح و صلح آرزو مندیم.

ما یلیم که توجه شما را به جنگ ایران و عراق جلب کنیم که با اقدام تجار و کاران رژیم عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد و در رژیم همواره به ادامه و گسترش آن مشغول بوده اند. راه ورود این جنگ نزدیک به یک میلیون کشته بیش از یک میلیون زخمی، معلول و مفقود، ۸۰ هزار اسیر و ۳۰۰ میلیون بی خانمان و پناهنده بسوده است.

این جنگ ویرانگر هجدهمین صدها میلیار دلار خسارت مادی بسیار آورده است. که از حساسیت جنگ منطقه خلیج فارس را، که از حساسیت استراتژیک فراوان برخوردار است به گمانش تنش بدل کرده و امکان مداخله خارجی را افزایش بخشیده است. این جنگ تهدیدی جدی برای صلح جهانی بشر می رود. وادامه آن تنها به سود امپریالیسم، صیوننیسم و ارتجاع است.

رژیم های "تهران" و "بغداد" از جنگ برای تشدید سیاست سرکوبگری خود بهره می جویند. دهها هزار میهن دوست ایرانی و عراقی در بندند و وحشیانه شکنجه می شوند. بسیاری از آنها اعدام شده اند و با زیر شکنجه جان باختند. صدها هزار عراقی و ایرانی در تبعید و مهاجرت اجباری بسر می برند. قربانیان اختناق بخش های وسیعی از میان رزان مدجنک را در بر می گیرند.

رژیم عراق در جریان جنگ و با نقض تنگنای معاهده های بین المللی به کار بست جنگ افزارهای شیمیایی دست زده است - اقدامی که شسورای امنیت سازمان ملل آنرا محکوم ساخت. هر دو رژیم، همواره با کشتار مردم غیرنظامی قوانین بین المللی را نادیده می گیرند.

رژیم ایران هزاران کودک و نوجوان را به جبهه های جنگ کسب می داند.

"فراخوان صلح" عراق تنها نبرنگی است تبلیغاتی. ایران نیز همه پیشنهاد های صلح سازمانهای بین المللی را رد کرده است. با توجه به واقعیات نامیرده، شما را به طلب خواسته های زیر فرامی خوانیم:

- پایان بیدردنگ جنگ ایران و عراق بر پایه مذاکره، تضمین حاکمیت ملی و استقلال دو کشور و آزادی مردم ایران و عراق در تعیین سرنوشت خویش.
- بازگشت نیروهای مسلح دو کشور به مرزهای طبیعی خود.
- پایان نقض حقوق بشر از جانب رژیمهای مستبد ایران و عراق، از جمله سرکوب نیروهای ضد جنگ.
- فرستادن هیات های ملی و بین المللی به دو کشور برای تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر و قوانین بین المللی.

با درودهای دوستانه

حزب توده ایران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
حزب کمونیست عراق

اکتبر ۱۹۸۶

در کیریهای منطقه ای و "بیشرفت و استقلال ملی" سخنرانی کردند. در این سخنرانیها، هیساعات نمایندگان سازمان با ارائه فاکت ها و آثارها جنایت هولناک رژیم ددمش خمینی را افشا کرده و نتایج دهشتناک جنگ خانمانسوز ایران و عراق را برای شرکت کنندگان در کنگره توضیح دادند.

جنگ ایران و عراق و اکثر کمسیون های "کنگره جهانی صلح" بعنوان یکی از مسائل مهم مطرح بود. در گزارش بخش "صلح و آزادی" آمده بود: "نظر همه نمایندگان این است که جنگ میسان ایران و عراق باید بیدردنگ پایان یابد و مسائل میان دو کشور از طریق مذاکرات سیاسی حل شود. در آستانه برگزاری این اجلاس، فراخوانی از جانب سازمان ما حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق خطاب به شرکت کنندگان انتشار یافت و وسیعاً بخش گردید. متن این فراخوان در همین شماره نشریه کار درج شده است."

### تلاش رژیمهای ایران وعراق برای درگیر کردن برخی از نیروهای مبارز

در ۱۵ مهرماه، در یک حمله ناگهانی توسط نیروهای ارتش عراق و نیروهای جلال طالبانی علیه مجاهدین خلق که در روستای پشت آشان سلیمانیه صورت گرفت، ۱۵ نفر از نیروهای مجاهدین کشته شدند و سلاخها و وسایل آنان ربوده شد. در درگیری قبلی افراد طالبانی با مجاهدین نیز ۴ مجاهد کشته و عده دیگری زخمی شده بودند. علاوه بر آن سازمان مجاهدین اعلام کرده است که تحت فشار نیروهای "اتحادیه میهنی" تعدادی از مقرهای خود را تخلیه کرده است. در این اواخر مجاهدین ۲ مقر خود را که برای ساختمان ۱۰۰ میلیونی تومان هزینه صرف کرده بودند به درخواستهات طالبانی منتهی کرده بودند و سه مقر دیگر را نیز تخلیه کردند.

پس از حادثه "پشت آشان" مجاهدین سیاست مقابله به مثل با نیروهای طالبانی را در پیش گرفته و این جریان را مزدورانه و ننگین و ننگین مجاهدین اعلام می کنند. اکنون در نتیجه حملات طالبانی و تغییر سیاست مجاهدین در برابر آنها، امکان گسترش درگیری های خشن بین دو طرف افزایش یافته است.

در علت یابی درگیری های اخیر طالبانی و مجاهدین باید سیاست خمینی نسبت به کردهای عراقی و سیاست صدام نسبت به بخشی از اپوزیسیون خمینی را که از کمکهای رژیم عراق بهره مند است مورد بررسی قرار داد. در دوره های اخیر که رژیم های عراق و ایران به درگیری با یکدیگر کشیده شده اند، تلاش هر یک از آنها جهت بهره گیری از اپوزیسیون رژیم مقابل در نقشه های آنهاست. جای میباید داشته است. در این مورد از گذشته نیز نمونه های بسیاری در دست است. همه بیا در آن دوره که رژیم شاه چگونه از ملامطقی بارزانی علیه رژیم عراق استفاده می کرد و چگونه بعد از برپایی او را خالی نمود و در اثر این سیاست شاه، جبهه ضریبات مهلکی به جنبش ملی خلق کرد در عراق وارد آمد. در همان زمان نیز رژیم عراق متقابلاً نیروهای اپوزیسیون را علیه رژیم شاه تقویت می کرد. امروز نیز صدام و خمینی همان سیاست را تکرار می کنند.

سیاست جمهوری اسلامی تا چندی پیش متشکل کردن نیروهای عراقی بیروولایت فقیه و تبدیل آن به آلترناتیو رژیم صدام در برابر آلترناتیو واقعی یعنی جبهه خود بود. بر این راستا رژیم خمینی جریان موسوم به مجلس اعلی انقلاب اسلامی را سرهم بندی کرد و کوشید که سایر نیروهای مخالف صدام را حول این جریان کذاب گرد آورد. در همین حال رژیم تلاش می کرد که بخشی از کردهای عراق را نیز تنظیم کند و به سمت اهداف خود درآورد. تلاش اصلی متوجه آن شده که در یک آلترناتیو دست نشانده از نوع خودش بود. گذشت زمان به ملاحظاتی که در منطقه و در عراق کسی از آلترناتیو دست نشانده آنها و ایضا از یک رژیم سفاک ولایت فقیه ای در عراق استقبال نمی کند. بسیاری از کشورها و نیروها در منطقه عراق با آن مخالف و آماده مبارزه علیه آن هستند. از این رو رژیم خمینی مجبور شد که در نقشه های خود برای بهره گیری از اپوزیسیون صدام تغییراتی را وارد کند. از آن جمله سازمان رژیم ایران پذیرفتند که مجلس اعلی معروف با برخی دیگر از نیروهای اپوزیسیون عراق متحد گردد. تلاش سران رژیم ایران این است که از این طریق، از یک سو امکان تجدید برای مجلس کذاب یی گنبد کنند و از سوی دیگر حزب کمونیست عراق را کسب ریزند و به سایرها رکال اتحاد جدید را خودی دست گیرند و بدین ترتیب جبهه خود را متلاشی کنند و از طرف دیگر تحولات آتی عراق را به سوی افداف واقعی خود دست دهند.

مطابق اطلاع خبرگزاریهای غرب در نیمه اول مهرماه ۶۵، اپوزیسیون مذهبی و غیرمذهبی رژیم عراق در جلسه مشترکی که در امینان تشکیل شد، شرکت داشته اند. این اولین بار است که نیروهای مذهبی طرفدار خمینی و نیروهای کسری عراق در یک گروهی با هم در جمع می شوند. جمهوری اسلامی میگوید که اطلاع درباره این کنفرانس انتشار نداشته است. اما مستقل از اینکه تکمیل این اجلاس در راستای تصمیمات و تغییرات فوق الذکر سران رژیم خمینی است، در شرایطی که همه خواهان صلح و خاتمه جنگ بین دو کشور هستند، جلب همکاری و حمایت سیاسی یک اتحادیه نفوذ و مستقیم مخالف رژیم عراق از جمهوری اسلامی برای توجیه سیاسی تجاوزات جنگ طلبان رژیم ایران مورد استفاده قرار

می گیرد. رژیم ایران از اینگونه کردها بی بهره و به اصلاح آلترناتیو سازی ها به سودا دامه جنگ بهره برداری می کند. علاوه بر آن، سران جمهوری اسلامی به جو زات و در جهت سیاست فوق جمهوری جدا کردن نیروهای کرد عراقی از حزب کمونیست عراق و متحد کردن آنان با جریان مذموم طرفدار خود، به طور جدی دست بکار شده اند. رژیم ایران در صدد است که یک جبهه نیرومند نظامی در شمال عراق را در برابر صدام بگشاید. جبهه ای که با تکیه بر تمسلیحات و نیروی نظامی جمهوری اسلامی و آشنایی با نیروهای کرد عراقی که به منطقه می توانست مشکلات جدی را برای تأسیسات نفتی عراق و نیروهای نظامی آن بوجود آورد. همچنین دلیل است که زئیرالهای عراق اخیراً قوای نظامی خود را در مرز ترکیه و عراق آماده نگه داشته و سران رژیم در عین حال این هدف را نیز دنبال می کنند که نیروهای کرد عراق را علیه مجاهدین و دمکرات ها و سایر نیروهای مترقی ایران کسب در شمال عراق مستقر شده اند به جنگ وادارند و امکان فعالیت آنان را در کردستان از برابری بستن مرز ایران و عراق و به حداقل ممکن برسانند. جمهوری اسلامی قبلاً این تاکتیک را با وسیله نیروهای بارزانی علیه حزب دمکرات کردستان ایران بکار گرفت. خبرها می گویند که طرف جمهوری اسلامی انتظار یافته نشان می دهد که سران رژیم موفق شده اند نیروهای مهم کرد عراق را در این دام گرفتار کنند. اکنون معلوم شده است که در ماههای اخیر نیروهای طالبانی و با استفاده از خمینی در یک رشته عملیات نظامی علیه صدام و مواضع مجاهدین با یکدیگر همکاری می کرده اند. حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری اردیسی با رزانی نیز از مدت ها پیش به همکاری با رژیم متوجه شده است. اکنون همکاری سه جانبه آنها طی یک اجلاس رسمی که اردیسی بارزانی و جلال طالبانی و نماینده جمهوری اسلامی در آن شرکت داشته و در تهران تشکیل شد، در چارچوب یک قرارداد سه جانبه رسمیت یافته است. جمهوری اسلامی از آن بخش از قرارداد در آنکه به مبارزه علیه صدام مربوط می شود، عملی کرد. اما طرفین سایر موارد دیگر زمینه های توافق را همچنان پنهان نگه داشته اند. بدون شک رژیم خمینی تلاش کرده است که با رزانی و طالبانی و اردیسی علیه دمکراتها، مجاهدین و سایر نیروهای مترقی ایران که در کردستان ایران و عراق مستقر شده اند، نیز وارد شود.

در تکمیل تلاشهای فوق اخیراً (۲۷ تاسان) در تهران اعلام شده که خمینی کنفرانسی با شرکت برخی شخصیت ها و گروه های مخالف صدام ترتیب میدهد. این کنفرانس در اوایل دیماه سال تشکیل خواهد شد و میباید مهمترین موضوع آن اتخاذ خطی هماهنگ علیه صدام و بررسی نحوه اداره عراق پس از صدام است. رژیم صدام نیز به توطئه خود از مدت ها پیش در مقابل خمینی به تقویت شدید مجاهدین پرداخته است. صدام از شرایط دشواری که در اثر توطئه مشترک خمینی و شیراک برای سازمان مجاهدین بوجود آمده بود، بخوبی بهره برداری کرده است. اجازه داد که رهبری مجاهدین در عراق مستقر شود و امکان اتصالات گسترده ای در اختیار آنان قرار داد. بدین ترتیب صدام در برابر اتحادیه جمهوری اسلامی، "مجلس اعلی" بارزانی و طالبانی و اتحادیه صدام، مجاهدین و اقار را داده است. این اتحادیه و تکیه روز افزون سازمان مجاهدین خلق علیه صدام بهر حال به سود صدام عمل می کند. چرا که اولاً رژیم مجاهدین در شمال عراق مستقرند، شرایط برای آنها بگونه ای است که به درگیری با نیروهای کردگشا نده خواهند شد. تجربه نشان داده است که مجاهدین نتوانسته اند سیاسی اتخاذ کنند که این توطئه ها را خنثی کنند. آنها علاوه بر این با نیروهای ملی کرد نیز درگیر شده اند. آنها روابط فیما بین با حزب دمکرات کردستان ایران را غیر دوستانه کردند. روابط آنها با سازمانهای چپ ایران که در کردستان نیرو دارند، خصمانه است. اتحادیه میهنی را دشمن خود معرفی می کند، که او کلمه که جای خود دارد. آنها ستاد در رهبری خود را در جای مستقر کرده اند که داخل و رابط بینا سب را با نیروهای محلی آن ندارند. هر فرد آگاه می دانند که برای فعالیت مجاهدین در کردستان وجود روابط دوستانه آنها با نیروهای کرد ضرورت دارد. بنابراین دست تیره کنونی به خمینی و ایضا صدام فرصت و امکان می دهد که آنها را به جان هم بیندازند. مجاهدین بیش از پیش خواستند که با صدام با سرفراصلح تا به پناه جایی نرفته اند که میگویند، می شود "خواستهای خلق را لیبیک گفت". تا نیا صدام با اتحادیه صدام مجاهدین امتیاز بدست آورده است که در مورد لزوم، مثلاً زمانی که صلح در چشم انداز است دو کشور فرار می گیرد، امتیازی از جمهوری اسلامی

### رفیق غلام یحیی دانشیان درگذشت

"نامه مردم" در شماره ۱۲۲ خود اطلاع داد که رفیق غلام یحیی دانشیان از رهبران برجسته جنبش دموکراتیک خلق آذربایجان در سالهای ۱۳۴۲-۴۵ عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از یک بیماری دراز مدت درگذشت. رفیق غلام یحیی دانشیان در سال ۱۳۸۵ در یکی از روستاهای سراب بدنیا آمد و همواره هزاران زحمتکش دیگر در راههای جوانی به همراه پدرش برای بافتن کار به باکو رفت و در ستای نشت این شهر به کارگری پرداخت. او در سال ۱۳۱۶ همچون صدها مهاجر دیگر به ایران بازگشت و بجزم فعالیت سیاسی در سال را در زندان رضا خان سرکود پس از آزادی برای دورماندن از دسترس پلیس با تغییر نام در راه آهن میانه با سمت مکانیک استخدام شد. رفیق دانشیان پس از شهریور ۴۰ فعالیت انقلابی خود را گسترش داد و پس از شهریور ۱۳۴۴ به همراه رجب برجسته جنبش کمونیستی کارگری ایران، سید جعفر همیشه و وی در سازماندهی مبارزات خلق آذربایجان رژیم شاه و خوانین با تمام توان کوشید. او یکی از سازمانگران نبضت ۲۱ آذر در آذربایجان بود و فرماندهی فدائیان در آزادسازی شهرهای میانه سراب و شیراز را برعهده داشت. "غلام" در مبارزه علیه نفوذالها و مرتجعین وابسته به رژیم شاه در میان توده های مردم به یک قهرمان تبدیل گشت و از سوی حکومت ملی به درجه "زئیرالی" ارتقاء یافت.

پس از آنکه نبضت دموکراتیک خلق آذربایجان در نتیجه یورش ارتجاع به شکست انجامید، رفیق غلام به همراه هزاران تن دیگر راه مهاجرت در پیش گرفت و پس از عبور از زندگی فعالیت پر فراز و نشیب، سرانجام پس از یک دوره بیماری دراز مدت درگذشت. ما درگذشت رفیق دانشیان را به کمیته مرکزی حزب توده ایران و بازماندگان او تسلیت می گوئیم.

بگیرد. مگر خاک شیراک با رژیم خمینی معا طسه نکرد و چه صدام آن عمل را تکرار نکند. او یک دیکتاتورفا سد است و برای رسیدن به اهداف بلند خود مثل خمینی بهر کاری دست خواهد زد. او که درنا بود کردن ایران با خمینی سابقه کذائت است چرا زمانی که منافع رژیمش ایجاب می کند علیه مجاهدین با خمینی سابقه نهد. نیروهای کردی که با جمهوری اسلامی متحد شده اند با بدست دوطئه های آن را بدرستی نشانسانند. آنها اگر تجربه ملامطقی بارزانی را مرور کنند، معلوم خواهند که خمینی می خواهد بازی شاه با بارزانی را اینبار با آنها آغاز کند. رژیم خمینی رژیم سفاکی است که فرود افلحاشا را در برابر کردهای عراق بکار خواهد گرفت. این رژیم بیش از ۷ سال است که به کردهای ایران همین رفتار را می کند. تجربه گذشته می آموزد که کردهای عراق در مبارزه علیه صدام نباید به رژیم خمینی متکی شوند. آنها نباید با این رژیم علیه مجاهدین و دمکراتها و سایر نیروهای مترقی ایران متحد شوند. جنبش اتحادیه یک اشتباه سیاسی بزرگ خواهد بود که دو دهه به چشم خود آنها سود آن نصیب خمینی خواهد شد. مگر درگیری های تا ساف بار بین حزب دمکرات کردستان ایران و کومله و حملات نظامی گذشته کردهای عراق علیه یکدیگر به زبان آنها به سود خمینی و صدام تمامند. این وضعیت در عین حال هشدار می است به سازمان مجاهدین خلق ایران که برای خروج از وضعیت دشواری که می توانند برای آن خطرات جدی را پدید آورد، چاره اندیشی کنند. چاره ای، گمستن اتحادیه صدام و روی آوردن مجاهدین به اتحادیه صدام و نیروهای مترقی در منطقه و در ایران است. تنها چنین اتحادیه ای است که مجاهدین را از دام صدام می رها کند و امکان خنثی کردن توطئه تفرقه افکنانه جدید خمینی را فراهم می کند. اگر مجاهدین راه نزدیکی با سازمانهای مترقی کرد را در پیش نگیرند، وضع آنها در کردستان از این هم بدتر خواهد شد. مجاهدین گفته اند که به این دلیل در عراق مستقر شده اند که نیروهای خود را به دست رهبری کنند. اگر آنان همین دلیل را مبنای عمل و مناسبات خود با جنبش ملی کرد قرار دهند نباید نیروی خود را به درگیری با نیروهای مترقی نشانند. چرا که این درگیریها بهر نتیجه ای که بیا نجامد، مجاهدین را در کردستان منسزوی خواهد کرد. بیامد چنین وضعی به همه نیروهای مترقی ایران و عراق در منطقه آسیب وارد می کند.

## مرگ پر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی



### هشیار باشیم توطئه دشمن را خنثی کنیم!

#### رهنمود به واحدهای گروههای آسیب دیده

رفقای عزیز! همانگونه که اطلاع دارید رژیم پلید جمهوری اسلامی، طی یکسال و نیم اخیر در حالیکه مخفیانه به معنای ادما جنگ مشغول بود، با همکاری ما موران سیا و ساواک برای شناسایی مسئولین و فعالان لیبرال و تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریست)، تمام نیروی اهریمنی خود را بکار انداخته است. رژیم پلید خمینی در هر اسازگشترش بیوقفه رزم افتخار آفرین شما فدائیان خلق ایران و درود خست کشته‌ها از رشد و زوال فزون نرناظاری و خشم خودهای از جنگ و فشار محیبت با رگراشی و بیگاری خودکا مگی خونبار رژیم آخوندی، در حالیکه طی سه سال تلاش مدیوحانه با رها نشه قشایش به نیروی هشیاری و مقاومت حماسی شما نقش بر آب گشته با ریدگریس از موفقیت بزرگ سازمان در برگراری پلنوم وسیع فوریدین ماه ۶۵ و با مشاهده دستاوردهای آن، از حمله افشای همه جانبه و عمیق ماهیت ضد مردمی رژیم و عزم قاطع و متحد و یکپارچه سازمان برای ادامه نبرد تا پای جان با رژیم حاکم، یورش و خشیانه علیه فدائیان خلق ایران در سراسر کشور سازمان داد.

رژیم پلید خمینی با استفاده از تمام اطلاعاتی که طی سال حکومت منحوس خود گرد آورده بود، با گستردن وسیع ترین و طولانی ترین تورهای شغیبت و مرقابت و بلا تاره با شکنجه وسیع رده میثانسه و بنگلی بیسابقه، با اسیر کردن هرفرقی کوشید - فعالیت اوج گیرنده سازمان را فلج و خلق ایران را از فدائیان نشن محروم سازد. رژیم این بار قصد کرده هر آنکس که به وی ظن فعالیت انقلابی و رابطه با سازمان برده است را به هر وسیله ممکن به اسارت کند. اما رژیم در برابر هشیاری و عزم رومی و رهنمندان فدائی ما دگی ما برای مقابله با این توطئه شوم در مانده تر از آن بود که بتواند این جنایت را عملی سازد.

#### رفقا!

واقعیت مبارزه انقلابی، بیوزبه در میدان نبردی کلی را برابر همه ما مومخته و میا موزد که رسیدن به روزیخن سرنگونی این رژیم، برگراری جشن آزادی و صلح در میهنهستان، با ریدگریس به روزگراهی شده مردم زحمتکش بدون فداکاری و جانبازی قهرمانانی چون رضی و منصور و قربان و دیگران، امکان پذیر نیست. رژیم یورش می آورد میگیرد، میبندد، کف بدهان می آورد و خون میریزد. رژیم با سازمان ندهی یورش های دم میثانسه به موقوف فدائیان خلق ایران مزمدم میگیرد. رژیم از هشیاری انتقام میگیرد که مبارزه انقلابی توده های شایر بیکرش وارد می کند.

#### رفقا!

با اطمینان با یادگفت که در پاسخ به شناخت عمیق ما از ماهیت پلید ضد مردمی و به غایت ارتجاعی رژیم شهبکار خمینی و در پاسخ به عزم خلل تا پذیر و متحد و یکپارچه تنگ تنگ ما فدائیان خلق ایران به ادامه مبارزه تا به آخر، تا سرنگونی این رژیم سیاه و سپردن قدرت حاکم به خلق قهرمان ایران، این رژیم شهبکار این ارتکاب جنایات تازه علیه خلق قهرمان ایران دست زده است. ما به یقین با یادگفت که خمینی و عمال منفورش هنوز ممانند فدائیان خلق را خوب شناخته اند. آنها شناختی تواننده نیستند و نخواهند فهمید که ایمان به فردای سرخی که در افق تاریخ کارگزاران و زحمتکشان میهن ما را بسوی خویش فرا خوانده است. ایمان ما به سازمان پر افتخار ما که با تمام هستی خویش پرچم بیکار قهرمانان ما تارنه توده های علیه رژیم ستم و سزما به و نبرنگ و جنگ را بردوش میگذد. ایمان ما به راهی که در پیش گرفته ایم، راه عشاق پاک باخته ای که از خا رزمینان شان با گیتی نیست به ما نیروی بخشیده و میبخشد که در برابر و تابه آخر، تا آخرین نفر، تا آخرین نفس با یستیم، پیروزای رای به خاک بمالیم و امید برای به زانو افتادن فدائیان خلق همراه با تمام سستی بگیتی که نمیباید ایران ما ساخته است و روانسه گورستان ما رژیم.

#### رفقا!

اکنون، پس از یورش های سراسری تا بیستان گذشته، با یدبا بهره گیری از تمام تجارب مقاومت و با اتکاء به تحلیل درست شرایط موجود و ارتجاعی دقیق امکانات دشمن، تمام نیروی سازمان را از توده هواداران بناده تا بالاترین رده های رهبری ما به خدمت سازمان ما تارنه مقاومت در برابر یورش، حفاظت از واحدهای سازمانی و تامین

شرایط ادامه کاری آنان بشکار گرفته شده است. عمل یک با ریدگریه دشمن نشان داد که فدائیان خلق پیش دشمن سر تسلیم نیارند. فیروود و اینهنده دره خلق همه هستی خویش... آری رفقا! امروز روست که خمینی پلید و همه همدستان جنایتکارش با ید فهمند که فدائیان خلق را جز در افق خلق قهرمان ایران سنگبری نیستند. ما در سنگر ما می یستیم، می یستیم و میدانیم که ایستادگی ما خاکستر مرگ رژیمم را در دل شمله های خشم و کین فید خلق آن خواهد بود. در این سخن ذره ای هم گزافه نیست. عزال زندگی خویشا فدائیان حما سه بزرگی است که در یک نام، که در یک کلام خلاصه میشود، فدائی خلق نام و نشان و هویت کلان حما سه را لسه ماست. ما در روزی که تک حوزه های سازمان در سراسر ایران در یکا گرفتن همه امکانات و ابتکارات، همه نیروی عزم و اراده و آگاهای انقلابی در راه حفظ موجودیت خود، برافراشته داشتن پرچم رزم افتخار آفرین سازمان و خشی کردن نقشه اهریمنی و نا بودگرا نه رژیم خلاصه میشود.

#### رفقا!

امروز مهمترین وظیفه انقلابی هرواحدهایمانی که هر کدام یک سنگ پایه جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بشمار میرود، حفظ موجودیت و امنیت خود، تامین ارتباط با رهبری و ادامه کاری است. بدون انجام این وظایف رویای طبقه کارگر، توده زحمت و همه خلق ایران در شکست رژیم و بدست گرفتن سر نوشت خویش در سخته بهام می افتد. در این رژیم در گسستن پیوند ما می و حضور موثر ما در جنبش توده ای امکان انجام می یابد. در این راستا، طی ماه های اخیر رهبری سازمان بر اساس بررسی اوضاع سیاسی کشور و جمع بندی گزارشات رسیده از قسمت های مختلف تشکیلات و بر اساس شناخت و ارزیابی تاکتیک های پلیسی، جهات اساسی فعالیت شعبه تشکیلات را معین کرده و همه شعبه مسئولیت داده است که با هدف حفظ امنیت گروه ها و واحدهای سازمانی، تا مین ارتباط با رهبری و تعیین وظایف ادامه مکاری رهبرندهای جدا گانه خود از طرق مقتضی برای گروه های که ارتباط با آنها برقرار است - برای واحدهای باقی مانده از گروه های آسیب دیده که ارتباط با آنها مختل و یا قطع است از طریق نشریه کاروراد دیوی زحمتکشان ارسال دارد. مطالبه و کار بست رهبرندهای که در رژیم می بدو انطاق خلاص و موثران و وضعیت مشخص هرواحدهای طبقه خطیر همه رفقای است که رهبرندها خطاب به آنهاست:

- الف: برای حفظ ارتباطات و امنیت واحد
- ۱- رفقای این واحدها (حوزه ها، هسته ها...) در شهران و شهرستانها که ارتباط نشان طبیعی ما به ای خیر با بال قطع و یا دچار اختلال بوده است می یابد ارتباط خود را با سایر بر رفقای واحدها حفظ کنند. مشروط بر اینکه ارتباط با آنها ۶۵ تساه کنون منطقی است. ارتباطات وجود داشته و از سلامت امنیتی بکدیگر اطمینان کامل داشته باشند.
- ۲- واحدهای باقی مانده از گروه های سازمانی آسیب دیده هیچ وجه مجاز نیستند تحت هر عنوان با سایر واحدهای همان گروه ارتباط تازه برقرار کنند. در صورتیکه این ارتباطات در تابستان سال ۶۵ با پس از آن برقرار شده باشد باید قطع شود. افرادی با واحدها به هیچ وجه نمی یابد افراد سا با واحدها تماس بگیرند. این واحدها متقا بلامجاز نیستند هیچگونه ارتباط تشکیلاتی را از سایر واحدهای سازمانی (اعم از آسیب دیده و سالم) بپذیرند.
- ۳- مقدم ترین وظیفه واحد، کنترل امنیتی ارتباطات و امکانات و احداث رفقای تحت مسئولیت آن است. در شرایط کنونی می یابد توجیه عمده تنگ تک اعفای واحده و کنترل و چک امنیتی ارتباطات و امکانات و افراد تحت مسئولیت و مربوطه و احداث مرکز خود.
- ۴- رفقای که تحت خطر قرار گرفته و احتمال می دهند پلیس از آنان اطلاعات با سرخ ها سستی بدست آورد یا آوره باشد یا بدبا بدبا دست و پا سیه محل کار روزیگی خود را تغییر دهند و یا بد برای پاک کردن تمام ردها به گونه ای سنجیده اقدام نما یند. بیوزبه به هیچ وجه نباید از مکانات و رفقای با زدا شتی یا تحت شغیبت و مرقابت و با امکانات تشکیلاتی که رفقای با زدا شتی از آنها مطلع بوده اند، استفاده شود. در نقل و انتقال محل کار روزیگی با ید به مناطق کارگری و زحمتکش نشین اولویت داده شود.

۵- کارهای جاری اساسا از طریق ارتباطات غیر مستقیم انجام شود و ارتباطات مستقیم حضوری فاقد پوشش طبیعی و غیر قابل توجهه بین اسرا و احدا نباید به حدی قابل ممکن تنزل یابد. قرارهای سلامتی و نظریاتی در مجال منطقی کنترل شود. رفقای که با بکدیگر ارتباط سازمانی دارند باید به طریق مداوم از سلامت بکدیگر مطلع گردند. (حتی امکان روزی یکبار) و ارتباط مجدد با رفقای که دستگیر شده و آزاد میشوند و یا به نحوی مورد مراجع پلیس قرار گرفته اند باید به وقت متعلق باشد. تماس غیر مستقیم و وقت در صورتیکه چنین ارتباطی خطری ایجاد نکند، به منظور کسب اطلاعات و با رعایت احتیاطات لازم مجاز است. چنین تماس ها نباید تساهل یابد.

#### ب: برای تامین ارتباط واحد با سازمان و ادامه کاری

- ۱- ارتباط واحدهای گروه های آسیب دیده با سازمان در مرحله کنونی صرفا از طریق خسراج از کشور برقرار میشود. واحد مربوطه (حوزه، هسته...) می یابد کلیه راه های ممکن برای برقراری ارتباط با خسراج را بررسی و مطمئن ترین آنها را بکار گیرد. اقدام به تلفن از داخل به تلفن های مراکز ارتباطی سازمان در خسراج و یا ارسال نامه برای برقراری ارتباط به آدرس های تشکیلاتی (علمی و غیر علمی) غیر مجاز است. با ید از مکانات دوستان و آشنا یان قابل اعتماد اعفای واحدها در خسراج در جهت برقراری رابطه با سازمان استفاده شود. تماس مستقیم با سازمان با ید به وسیله منظم و احداث حصول نتیجه و برقراری ارتباط مهم توسط واحدهای گمراهه دنبال شود.
- ۲- اعفای واحدهای بدون ارتباط با ید برای بدست آوردن نشریات سازمان بطرق مقتضی اقدام کنند. نشریه کارگزاران علمی ارتباط رهبری سازمان با هرواحدهای اطمینان فعالیت سیاسی توده های تبلیغی آن است. رادیوی زحمتکشان نیز راه های فعالیت واحدها و وسیله ارتباط با آنهاست. گوش دادن به رادیوی زحمتکشان و ضبط برنامهای آن به منظور بهره گیری در فعالیت تبلیغی، توده های سازمانی و اسرا و با ید با ید واحدها است.
- ۳- برای ارسال اخبار و اطلاعات سیاسی برای رهبری می توان از طریق پست کردن نامه برای آدرس های که در خسراج می شناسید اقدام کنید. این نامه ها نباید به هیچگونه اطلاعات قا بیدسل پیگیری وردها رداشته باشد.
- ۴- واحدهای که ارتباط آنها با سازمان قطع است، طبیعتا همچنان به فعالیت خود به ید به یک حوزه سازمانی در همه جهات فعالیت حزبی ادامه خواهند داد. منتها در شرایط کنونی می یابد وظایف سگانه زبرد مردمی توجیه واحد را بگذرد:
- اول: حفظ امنیت خود، دوم: تامین ارتباط با رهبری، سوم: کمک به تقویت حضور سازمان در جنبش از طریق فعالیت تبلیغی (وظیفه سوم عمدتا از طریق نشریه، بخش اعلامیه و تراکت گاه از نشریه کاروراد دیوی زحمتکشان اخذ و تشکیلاتی می شوند و از طریق شعرا نویسی - با اتکاد به نیروی آن در این مرحله - به انجام خواهد رسید. با ید می کنیم همه اقدامات و فعالیت ها در دوره ای که پیش رود را به ید تحت اشعاع حفظ خود و ارتباط خود و ارتباط با رهبری قرار گیرند.

## افراشته باد پرچم رزم کارگران و رفجران!

با درود - شعبه مرکزی تشکیلات

### گامی دیگر در تبدیل شوراها به سندیکاها و فرمایشی

فراخوان برای مسترده ترین اتحادها  
درباره یازدهمین کنگره  
فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

بدنبال تشکیل کنگره شوراها و اسلامی سازمانها است. تهران در اردیبهشت سال ۱۳۶۵، "خانه کارگر" در شهریورماه اقدام به تشکیل کنگره سراسری شوراها و اسلامی سازمانها کرد. در این کنگره، اتحادیه های شوراها و اسلامی کار در همه استانهای کشور بود. قطعنامه کنگره سراسری، "خانه کارگر" را موظف کرد که تدارک تاسیس اتحادیه شوراها در استانها بنهیند. محبوب، عضو شورای مرکزی "خانه کارگر" در سخنرانی خود در کنگره سراسری، همه کارگران را دعوت به استقبال از این طرح نمود.

تضییقات روزافزون ساواک مواجه شدند. سرانجام رژیم از طریق ساواک و وزارت کار طرح تشکیل سازمان کارگران ایران را به دست آمد. این سازمان یک کانون سراسری سندیکایی، کارگران را زیر پرچم حزب سوسیالیستی، رهبری "سما" به هدف رژیم شاه از تشکیل این سازمان (که ظاهراً بیش از ۶۰۰ سندیکارا در برمی گرفت) عبارت بود از: همسازی جنبش کارگری ایران از یک طرف و وظایف هرسانی و تلاش برای کسب وجهه در میان کسب و کارهای کارگری از طرف دیگر.

با زدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری که بزرگترین کنگره ده ساله فدراسیون بود، چندی قبل در برلین برگزار شد. در این کنگره ۱۰۱۴ نماینده از طرف ۲۹۶ میلیون عضو اتحادیه های کارگری ۱۵۴ کشور جهان شرکت داشتند. علاوه بر گزارش مربوط به فعالیتهای کنگره که توسط امیرا همیم، دبیرکل فدراسیون قرائت گردید، سه گزارش مکمل نیز در سلسله اساسی ترین مسائل موردتوجه اتحادیه های کارگری، یعنی: صلح و صلح، سرمایه داری، اقتصادی - اجتماعی و حقوق سندیکایی توسط دبیران فدراسیون ارائه شد.

کزارش کمیسیون مربوط به صلح و صلح و صلح، نقش برجسته اتحادیه های کارگری را در جنبش صلح خاطر نشان کرد و ضمن تاکید بر صلح میان سابقه تسلیحاتی و بیکاری کارگران و زحمتکشان، از همه اتحادیه های کارگری جهان خواست که متحد و یکپارچه علیه جنگ و مداخله تسلیحاتی بپا خیزند. گزارشی در انتقاد به مواضع غیرمسئولانه برخی فدراسیون های بین المللی در رابطه با صلح و جنگ چنین گفت: بجای تاسف است که دربار یک چنین امر مهم و خطیری که جتنی رهبران سیاسی بلوک های مختلف سیاسی به مذاکره می نشینند، رهبران سه مرکز بین المللی سندیکایی (فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد و کنفدراسیون جهانی کار) هنوز نتوانسته اند به ملاقات و مذاکره با یکدیگر بنشینند. این امر مانع همکاری و اتحاد عمل مسترده بین ۵۰۰ میلیون عضو این سه مرکز بین المللی سندیکایی شده است.

کنگره با شعار "صلح و کار از یکدیگر جدا نیستند" و "صلح و پیشرفت اجتماعی" خواستار تشدید کارزار بین المللی بخاطر صلح و بیکاری شد.

در گزارش کمیسیون مربوط به حقوق انضباطی کارگری، توجه ویژه ای به تأثیر انقلاب علمی و فنی در شرایط کار روزندگی کارگران و زحمتکشان معالک سرمایه داری معطوف شد. گزارشی بر این نکته تاکید کرد که سرمایه داری می کوشد در کارپرداران تکنولوژی جدیدی که تکنولوژی قرن بیستم و یکم است همچنان، شوری ها و مناسبات کار قرن نوزدهم را بکارگیرد. احکامات سرمایه داری نه تنها حق مداخله کارگران را در اقتصاد دانکار می کنند، بلکه حتی اساس ضرورت وجودی اتحادیه های کارگری را نیز زیر سؤال می برند.

گزارش تصریح می کند که مبارزه برای حقوق سندیکایی، از نظر اقتصادی و اجتماعی میسالی اتحادیه های است و مداخله دموکراتیک اتحادیه ها در اقتصاد برای مقابله با عوارض بحران سرمایه داری و تقویت اثرات تولید دموکراتیک نیروهای پیشرفت و ترقی امری است اساسی.

دبیرکل فدراسیون در سخنرانی تاکید کرد: هدف سیاسی کنگره با زدهمین، ایجاد اتحاد عمل بین همه نیروهای جنبش سندیکایی جهان در زمینه قاره ها و کشورها - قطع نظرا از نظامهای اجتماعی - برای دفاع از حقوق زحمتکشان، پیشرفت اجتماعی و صلح است.

کنگره در تائید گزارشها، پیشنهاد ایجاد یک کانون بین المللی سندیکایی برای دفاع از حقوق اتحادیه ها مطرح کرد. همچنین، کنگره تصمیم به تدارک یک کنفرانس بین المللی سندیکایی از کارگران زن و یک کنفرانس بین المللی اتحادیه های جوان گرفت و اعلامیه ای نیز در رابطه با وظایف اتحادیه های کارگری در مقابل زنان زحمتکشان صادر کرد. کنگره طی پیامهایی باز زحمتکشان کشورهای مختلف علیه امپریالیسم ستامطبقاتی، استبداد، نژادپرستی و صهیونیسم مبارزه می کند، اعلام همبستگی کرد.

یازدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، جنگ ایران و عراق را طی قطننامه محکوم کرد. در این قطننامه آمده است: "تا شیر این جنگ بر اقتصاد و زندگی کارگران و زحمتکشان دموکراسی را مغرب است. ۱۰۰۰ بین جنگ جز در خدمت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و نیروه های ارتجاعی نمی تواند باشد. کنگره از زنده ماندن نیروهای دموکراتیک و صلح دوست اتحادیه های جهان خواست تا با افزایش تلاش های خود، برای برقراری صلح عادلانه اقدام کنند.

کانون های فرمایشی، مبارزات صنفی - سیاسی کارگران را تحت کنترل خود درآورد. همه امکانات لازم را در ۱۶ استان کشور در اختیار حزب جمهوری اسلامی و "خانه کارگر" قرار داد. دست نا اتحادیه های استانی را از بالا بجا دکشند.

کنگره سراسری شوراها و اسلامی کارکنند در شهریور ۶۵ در تهران برگزار شد. خود را نمایندگین کارگران سراسری ایران معرفی کرد و به تمام کارگران ایران، عوامل خود را در شورای عالی کار، هیات عالی حل اختلاف، هیات حل اختلاف در استانها و شورای عالی تا بین اجتماعات انتخاب کرده است.

اما کارگران ایران این کنگره و نیز "خانه کارگر" را نمایندگین سازمان صنفی سراسری خود ندانند و برای ایجاد یک کانون سراسری مستقل و متکی به اراده کارگران مبارزه می کنند. علیرغم تلاشی عوام غربیانه رژیم "خواست آزادی شکل و فعالیت صنفی - سیاسی مستقل" یکی از مطالبات مبرم و اساسی کارگران و محور اصلی مبارزه آنان طی سالهای اخیر بوده و هست.

قانون کار باید مدافع حقوق کارگران باشد  
کارگران مبارز!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران  
معاونت: محمد باقری، علی محمدی، سید علی حسینی  
دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳  
تلفن: ۳۳۳۳۳۳  
پست: تهران، پ. م. ۱۱۱۱۱  
کتابخانه: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳

در جریان انقلاب بهمن، سندیکاها و شوراها و حکومتی زمان شاه از همه پاشیده شو جای خود را به شکل های توده ای متکی به کارگران دادند (شوراها عمدتاً در واحدهای بزرگ سندیکاها در صنوف و واحدهای کوچک).

شوراها، علیرغم ظرفیت و مضمون سندیکایی شان (که بطور کلی با مضمون سندیکایی و انقلابی منطبق بود) غالباً فاقد ساختار تشکیلاتی سندیکا و اتحادیه بودند. علیرغم تلاشهای سازمانها، این نقیصه در بخش اعظم شوراها که بتدریج زیر نفوذ عوامل رژیم قرار گرفتند، همچنان با برجا ماند. مضافاً بر اینکه، از لحاظ مضمون نیز، این تشکیلات به شکل های زرد و حکومتی بدل شدند. اما در هر حال، مبارزات کارگران برای ایجاد تشکیلات صنفی مستقل و متکی با ساختار شوراها نه تنها هیچگاه متوقف نشد، بلکه مهر و نشان خود را نیز بر قوا نشین رژیم کوبید. رژیم خمینی پس از عقب نشینی از مواضع قانون کار رفرونی و مطابق با توالی و پذیرش ضوابط بورژوازی در تدریج - قانون کار، تاگزیر شد، بتدریج این تغییرات را در ضوابط ساختاری شکل های صنفی کارگری در نظر بگیرد. در نخستین کنگره شوراها و اسلامی کارخانجات استان تهران (اردیبهشت ۶۵)، برای نخستین بار موضوعاتی چون تدوین اساسنامه شوراها، بررسی تشکیل اتحادیه شوراها، اساسنامه کانون هماهنگی شوراها (خانه کارگر)، ضوابط عضوگیری و تعیین حق عضویت اعضا در سندیکار کارگران گرفت. پس از تشکیل کنگره، فشار "خانه کارگر" برای بدست گرفتن ابتکار عمل در انتخابات شوراها و ایجاد شوراهای فرمایشی تشدید شد. نشرب "خانه کارگر"، ارگان کانون هماهنگی شوراها و اسلامی (خانه کارگر)، نیز در این گهرودار، با دعوی نمایندگی کارگران ایران، فراخوان ایجاد اتحادیه جهانی کارگران مسلمان را داد و از ضرورت حضور در مجمع بین المللی سخن گفت.

پس از کنگره اردیبهشت ماه، تلاش مسئولین کارگری رژیم برای کسب وجهه در مجمع بین المللی سندیکایی کارگری (وابسته به سازمان ملل) بیشتر شد. بعنوان نمونه می توان به تلاش رژیم برای جلب نظر سازمان بین المللی کار اشاره کرد. هر چند مقامات رژیم سعی می کنند - بین تلاشها راه هم عرصه دیگری از "مدور انقلاب اسلامی" جان جلوه دهند. یکی از مسئولین در این رابطه می گوید: "پس از تصویب قانون شوراها و اسلامی کار، توجه محافل معتبر جهانی به آن جلب شده. سازمان بین المللی کار از ما خواست که هر چه سریع تر متن آنرا ترجمه کنیم و برایشان بفرستیم". البته قانون ارتجاعی شوراها و اسلامی کار در مقایسه با شورایی شورای توکلی، قانونی است بورژوازی که می توان در درکنار برخی قوانین بورژوازی دیگر در سازمان بین المللی کار قابل عرضه باشد. مقامات رژیم این را می دانند که برای حفظ ظاهر در مجمع جهانی سازمان بین المللی کار، با پیشنهادها و اتحادیه شوراها پیشان دارای اساسنامه و دیگر ضوابط و خصوصیات ساختاری اتحادیه باشند. این تجربه ای است که رژیم فدکا رگری شاه کسب کرده اند. رژیم شاه نیز که پس از کودتای مرداد ۳۲، "شورای متعده مرکزی" را سرکوب کرد، تا مدت ها مانع تشکیل سندیکاها و اتحادیه ها شد. بعدها نیز که زیر فشار جنبش کارگری بتدریج برخی سندیکاها شکل گرفتند، بسا



ازگانهای بیگردد و سرکوب رژیم آژامکانات و روشهای متنوعی در مبارزه علیه سازمانهای انقلابی و ترسناک و خونخوار کشور بودیم. تجربه نشان می دهد که عدم رعایت همه جوانب اصول و ضوابط فعالیت انقلابی در شرایط اختلال اساسی از مهمترین عوامل آسیب پذیری تشکیلات است.

مبارزه با پلیس سیاسی قبل از هر چیز نبرد مغزهاست. این مبارزه هم به آگاهی کافسی از مآلها و وسایل پیشرفته مبارزه مخفی و شناخت دقیق شیوهها، امکانات و ابزارهای کار دشمنان و هم تجربه مشخص نمودن آنهاست. راه چیرگی بر دشمن تنها از طریق افزایش شناخت و کسب تجارب مشخصه سازمانهای انقلابی میسر است. در این راستا ما دارا مده تلاشیایی قبلی، برخی از روشهای ساواک خمینی را افتش می کنیم:

### برخی اشکلهای ساواک خمینی

شکله بشکند و اطلاعات مطلوب از آنها بدست آورد آنها را می رباید.

۱- "شکار پنهانی" عموماً در خارج از محل کسب و زندگی و هنگامی که "سوزه" بدون همراه است، در نقطه ای خلوت و مناسب و اغلب در تارکسی صورت می گیرد. عملیات ریبودن طوری صورت می گیرد که کسی متوجه آن نشود. آن دسته از کارکنان انقلابی حرفه ای که با خانواده خویش قطع رابطه کرده اند و زندگی مخفی دارند، بیش از بقیه در معرض خطر ریبودن قرار می گیرند. دشمنان با در نظر گرفتن عدم ارتباط آنها با محیط کار و زندگی علنی برای پنهان کردن دستگیری آنها امکان بیشتری دارد. در صورتی که مبارزه همراهِ داشته باشد، همراه وی را ممکن است بعداً آزاد کنند و در آن صورت او را تهدید می کنند که اگر با جرات آفاش کند، مبارزه سر نوشت تاریکی پیدا کرده و حتی ممکن است کشته شود.

بستگان رفقای مبارزه را برکسانی که کسای در مخفی با آنها در یک خانه زندگی می کنند، از قبیل یا بدست به این حوادث توجیه شده و متقاعد شده اند که با دیده آفتاب آموخته شده همزمان دیگر را در اولین فرصت ممکن از دستگیری مبارزه سیسر مطلع سازند.

۲- دیده شده است که در مواردی که "سوزه" را تنها تکار می کنند، در ساعات و یا روز اول دستگیری ما موری از ساواک با تیب مناسب و با صلاح "چی" به خانه راجوع می کند، و تحت عنوان همسر ز و دوست او عدم مراجعت وی به منزل را توجیه کرده و خانواده را از سلامتی وی مطلع می سازد. "رفتن به ما موریتا اداری" یا "سازمانی" تحت تعقیب قرار گرفتن، "مخفی شدن موقت"، "خارج شدن از کشور"، و غیره توجیهاتی است که ما موران ساواک بکار گرفته اند. ما مور پلیس می گویند که جلب اعتماد بستگان، مدارک سازمانی و جاسازی شدن مبارزه ریبوده شده را ظاهر برای از بین بردن یا رساندن به موت تحویل گیرنده در عین حال زمینه را برای بلوغت های احتمالی بعدی به آنها فراهم سازد.

۳- گاهی نزدیک دیده شده است که پلیس به جایی مراجعه به منزل به همکاران، همسایگان و آشنایان یا فاقیل نزدیک زندانی مراجعه می کند و ضمن جازدن خود بعنوان آشنای مبارزه سیسر از آنها می خواهد که بیام از قبیل تنظیم شده ای را در مورد غیبت موقت وی به اطلاع خانواده او برسانند.

۴- در هر دو حالت ممکن است پلیس نشانه هایی از قبیل نامه ها، ماشین فرستاده شده، انگشتری ساعت وی و غیره را به بستگان و همکاران او جهت جلب اعتماد به آنها ارایه دهد. در صورتی که منزل یا محل کار زندانی تلفن داشته باشد، ما مورین ممکن است وی را وادار کنند که با تماس تلفنی سلامت خود را اطلاع دهد، و دلایل معینی را برای عدم مراجعت موقت طرح کند.

۵- در مواردی نیز امکان دارد که پلیس به اتفاق فردا سیبری که ضعف نشان داده است، ظاهر آسیرا بعنوان آشنای وی به خانه او مراجعه کرده و فراد آسیرا موظف و مجبور کند ضمن معرفی همراه یی همراهِان بعنوان رفقا و دوستان خویش در حضور آنها علت دیرکرد خود را توجیه و برای غیبت، خود در روزها هفته های آینده دلایل معینی را بعنوان کند.

۶- مبارزین انقلابی باید نزدیکترین بستگان خود را با این حیللهها از طریق دادن توضیحات صحیح آگاه کنند. اگر نزدیکان از فعالیت سیاسی آنها بی اطلاع هستند، باید فاشی این حیلله به شکل مناسب و توجیه پذیری صورت گیرد. باید به بستگان نزدیک آموخته شود که در صورت عدم مراجعت فرزند خود در ساعات مقرر و حتملاً سرپلها و امکانات واسط را که می توانست داخل یا خارج باشد از موضوع مطلع سازند. خانواده ها نباید حیلله هیچ مراجعه کننده ای جز در صورتی که شناخت شخصی و نزدیک از وی داشته باشند، اعتمادا کنند. در صورتی که همسریا برادر مبارزین

افراد سیاسی باشند، می توان قرارهای مشخصی را با آنها تنظیم نمود. از جمله هنگام ترک منزل با پداساعت نهایی و ورود آنها با اطلاع اود آنها را موظف کرده که در صورت عدم بازگشت در ساعت تعیین شده، آنها قرار معینی را یک یا دوساعت بعد در نقطه ای خارج از منزل اجرا کنند. در صورتی که در این قرارها را نپذیرند، غیبت و یا خطرناک تلقی کرده، ضمن از بین بردن مدارک احتمالی در منزل در اسرع وقت به ترتیبی که قبلاً مشخص شده همزمان دیگر را از موضوع مطلع سازند. همچنین می توان قراردادهای طبیعی و معینی را برای مواردی که ممکن است مبارزین مجبور شوند به همراه پلیس به خانه آمده و یا با تلفن تماس بگیرند پیش بینی کرده، در صورت چنین پیش آمدی، بدون توجه به پلیس آنها را از موضوع مطلع نمود.

۷- در صورتی که پلیس در مراجعات اولیه به بستگان موفق نشد اعتماد آنان را جلب کند، ممکن است گاهی با آنها سرزده و ضمن رساندن خبر "سلامتی" مبارزه سیروس کند، اطلاعاتی در مورد سابق کار روزندگی و روابط و آشنایان وی بدست آورد و نتایج بدست آمده برای دستگیری سایرین و ورودت زند به مبارزه سیروس استفاده می کند.

۸- ممکن است پلیس بکوشد از طریق خانوادده مبارزه سیبری که امکان تماس مستقیم و غیر مستقیم با همراهِان فرد دست نیافته دارد، با اطلاعات منحرف کننده یا قرارهایی را که ظاهر از جانب فرزند یا همسران داده شده، بدست فعالین دیگر برساند.

۹- راه چاره این است که بستگان به مراجعین نشان آشنای اطلاعاتی نداشته و هیچ نوع قرارهای زوی آنها را نپذیرند. از سوی دیگر در شرایط کنونی با توجه به اینکه دشمن می گوید بطریق مختلف پیاپی را بدست فعالین انقلابی رسانده و آنها را به جنگ آورد. اجرای قرارهایی که بطریق غیر مستقیم دریافت شده می تواند خطرناک باشد. کسانی که چنین قرارهایی دریافت می کنند نباید آنها را اجرا کنند، بلکه باید بگویند در چنین نوبت متوالی از طریق فرد دیگری محل قرار را فرستنده قرار را چک کنند و سپس تصمیمات لازم را بگیرند.

۱۰- گاهی اتفاق می افتد که یکی در روز بعد از دستگیری فردا مورین به بستگان وی مراجعه و ضمن معرفی خود بعنوان ما موران کمیته و آگاهی از فعالیت مبارزه سیروس که بدست پلیس، فرزند یا همسر خانواده توسط عدالتناستی ریبوده شده و ضروری است که آنها دوستان و آشنایان را که با وی مراد داشته اند، معرفی کنند تا پلیس بتواند در مورد ما موران جرا تحقیق کند. خانواده کسبه از عدم مراجعت فرزند یا همسران است، چه بسا فریب پلیس را بخورد و اطلاعاتی در مورد روابط وی در اختیار آنها قرار دهد. آگاهی قبلی از خانواده از چنین حیلله هایی می تواند نشانه دشمن را خاشی کند.

۱۱- مبارزه ریبوده شده بلافاصله به زیربازجویی و شکنجه برده می شود. اولین چیزی که از وی می خواهند از خبر سلامتی بوسیله تلفن به بیرون از زندان است. معمولاً قبل از اینکه وی را به خخته شلاق و شکنجه ببندند سنا ریوهای از پیش تنظیم شده ای را به سرعت برای وی به نمایش می گذارند. در زمین مدعی می شوند که از همه چیز مطلع بوده و در همه جزا واردند، برای اثبات این دروغ بزرگ است که نمایش شروع می شود. بعداً سناور مکالمات تلفنی نوشته فراقین سازمانیهای مختلف و احیاناً مکالمات ضبط شده مبارزه سیسر عکسهای مختلف وی که هنگام حرکت و یا اجرای قرار برداشته شده و حتی در بعضی موارد فیلسم اجرای قرارهای فعالین لورفته، اعتراضات ضبط شده دیگران، فتوکپی بعضی نامه های لسو رفته، مصاحبه های تلویزیونی بعضی افراد زندانی، و روبرو کردن با عنا صرد همگسسته و تسلیم شده که مصراحت خود را مصادق آشکارا عدما مکان هرنوع مقاومتی در زندان را اعلامی کنند، تسک نویسه ای ظاهر! قطور و کویچه ای مختلف که فاقد ارزش اطلاعاتی هستند، اطلاعات ظاهراً برجعی مشخصی که بوده می گویند به دروغ اعسلام کنند که همه چیز را می دانند) و روبرو کردن ناگهانی فردا سیروس همزم یا همزمانی که وی تصور می کند دستگیر نشده اند، صدای فریاد و ناله های کساننی که شکنجه می شوند... تهدید و ارباب دخیسان وسایل و ابزارهای گوناگون شکنجه بخشی از وظایف هستند که بکمک آنها می خواهند فردا سیروس متقاعد سازند برای حفظ اسرار انقلابی کوچکترین امکانی وجود ندارد، مقاومت بهبوده است، همه شکسته اند، این همه فداکاری و ماقا نه وی بهبوده بوده است. همه به او روزه اند و دشمن بر قدرت بر همه چیز آگاه و تواناست. بدین طریق دخیما نمی گویند بهبودگی وی تری هرنوع مقاومتی را القابا کنند. زندانی را از اوقاب سخت و آسرا سازند

### از نبرد فدائیان خلق

نه شکنجه‌های وحشیانه و تیرباران، نه سینه زنده‌های قرون وسطایی و سیاه‌چالها، نه تعقیب و شهید و ترور هیچکدام نمی‌توانند در راه آزادی فدائیان در مبارزه برای خوشبختی کارگران و زحمتکشان خلقی پدید آورند. فدائیان خلق در زینت‌ترین شرایط مبارزه و اخلاق همچنان می‌زمزند و با آفتاب ماهیت پلیدی، جنگ طلبی، خونریزی و فساد انسانی رژیم خمینی، طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش را به مبارزه برای فردا، برای روشن فرامی‌خوانند.

تبلینات کتبی هر چند بخشی از کار انقلابی فدائیان در راه آزادی است و بسیج توده‌ها ستولی خودبروشنی نشانگر کارگران آنهاست که در شرایط کنونی جریان دارد. ما در این شماره به گونه‌هایی از فعالیت‌های او و ده‌ها مختلف سازمانی در تهران و نواحی نقاط دیگر اشاره می‌کنیم.

در اعلامیه‌ای که از سوی کمیته‌ها حربه جنوب تهران در راه اخراج‌های وسیع کارگران چاپ و بطور وسیع انتشار یافته، چنین آمده است:

«کارگران مبارز! ... تا این رژیم ضدمردمی در ایران بر سر کار است تا این جنگ کثیف ادامه دارد، تا سرمایه‌داران خون آشام و زلومست دست‌آورد شما نکشیده‌اند، وضع آن‌ها که هست بدتر هم خواهد شد. چاره در یک چیز خلاصی می‌شود و آن این است که دست‌های خود را بکشید، کارفرمایان و دولت را در برابر آرا خود خدوده عقب‌نشینی وادارید. سنگریبک را دلاشه خود را تا سرنگونی رژیم خمینی و دستیابی کامل به حقوق خود لحظاتی ترک نکنید.»

در اعلامیه دیگری فدائیان، کارگران را به اعتصاب و مبارزات مبارزه فرامی‌خوانند: «کارگران مبارز! ... رژیم دست‌نشانده کارگران را از کارخانه‌ها اخراج و وزن وجه آنها را با فقر و گرسنگی مواجه می‌سازد. اعتراضات و اعتصابات یکپارچه خود، با وحدت و همستگی خود و با تشکیل صندوقهای بیکاری از کارگران اخراجی پشتیبانی نمی‌پسند.»

زنده باد طمع‌گرک بیرخمینی جنگ افروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کمیته‌ها حربه شمال غرب تهران

«خواه‌تدن مردم به مقاومت در برابر جنگ طلبی‌های رژیم خمینی و رگشتر جوانان در جبهه‌های مرگ، بخشی از مامین تبلیغاتی را تشکیل می‌دهد. اعلامیه‌ای که از سوی یکی از واحدهای سازمانی انتشار یافته است، چنین ندا می‌دهد:

... پدران و مادران عزیز!

— تسلیم تهدیدهای رژیم نشوید، جگر و شکرانتان را به جبهه‌ها نفرستید!

— در برابر مراکز برابری و ستاده‌های اعزاز و تیروبه جبهه‌ها اجتماع کنید!

— با اعتراض و با فشاری خواستار بازگشت فوری فرزندانمان از جبهه‌ها شوید!

— برای اعتراض به ادامه جنگ چون آمیزر و جلوگیری از فاجعه بزرگی که در کمین جگر و شکرانتان شامست در جلوی کاخ ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، نخست‌وزیری، وزارت کشور، و مراکز تصمیم‌گیرنده رژیم اجتماع کنید!

اگر امروز دست در دست بگردیم ما شین جنگی رژیم را از کار می‌بیندازیم، فردا بریکبار به پاره فرزندانمان آتش نخواهید ریخت ...

نیروهای سازمان در تهران پوستری رنگی با مضمون مبارزه علیه جنگ تهیه کرده و در ده‌ها نسخه در سراسر تهران پخش نمودند. در این پوستر بیلابنی از میزان کشته‌ها و ویرانیهای حاصل از جنگ اشاره شده و از مردم خواسته شده بود که علیه ادامه جنگ و علیه خمینی جنگ افروز بپا خیزند و بر حیات ننگین رژیم تبهکار خمینی پای ندهند.

تهیه و پخش پوستر رنگی در شرایط سرکوب خونینی نشانه با زور برجسته‌ای از عزم و رژیم فدائیان خلق است.

مناطق کارگری و محلات زحمتکش نشین‌شهر کانون فعالیت فدائیان است. واحدهای سازمانی در این مناطق بطور منظم با پخش اوراق تبلیغاتی بزرگ‌گانه‌ها می‌افشاند. گزارشات مختلف از فعالیت‌های تبلیغاتی فدائیان در این محیط‌ها خبر می‌دهند. چندین هزار اعلامیه در باره جنگ و اخراج کارگران ... از سوی فدائیان خلق در مقابل کارخانه‌ها پخش می‌شود. محلات تیموری، فلاح جنوبی، نازی‌آباد، باخچی‌آباد، مهرآباد جنوبی، نایت‌آباد و توتولیدارو، بیکان‌شهر ... پخش شده است.

در مهرماه از سوی سازمان پوسترشمار

زیبای رنگینی با عنوان جنگ، گرانسی، بیکاری، ویرانی هموطن به جبهه نرو زنده باد صلح، سرگ بر جنگ سرگ بر خمینی

منتشر و در سطح کشور وسیعاً پخش گردید. نصب گسترده این پوستر بویژه در محلات زحمتکش نشین مورد استقبال گرم زحمتکشان قرار گرفت.

فدائیان خلق در شهر اردبیل در رابطه با اعتراض و اعتصاب بزرگان تراکتی با مضمون زیر تهیه و در سطح شهر پخش کرده‌اند:

هم میهنان مبارز! با حمایت از حرکات اعتراضی بزرگان فداکار و دانشمندان، اعتراضات آنها را علیه رژیم دیکتاتور فاشیستی جمهوری اسلامی قوت بخشیم.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) اردبیل

رژیم خمینی که بیش از هر چیز دیگری از آگاهی توده‌ها وحشت دارد، برای مقابله با فدائیان و برای مقابله با کارگران هکانه آنان روز بروز کنترل و سرکوب را بیشتر می‌سازد. واحدهای فدائیان در یک گزارش ميسوط تبلیغاتی می‌نویسد: «برای مقابله با ما، گشت رژیم در منطقه به صورت گسترده‌ای صورت می‌گیرد. با سازمان‌های دانشجویی و کارکنان ماه کشته‌ها اجاره کردن خانه و نقل و حرکت بزرگان «عادی» در چند نقطه مستقر شده‌اند. بسیج بویژه در طول شب منطقه را شدیداً تحت پوشش گرفته است ... ولی هیچ چیزی توانایی ست کردن اراده ما را ندارد. زیرا مبارزه طبقاتی تعطیل ناپذیر است.»

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صلح آزادی و به روزی برای بشریت است

و بدبینی و بی‌اعتمادی شدید به همزمان در وی پیدا شود. بعد از آن زندانی را به زیر شکنجه‌های حیوانی می‌کشند. در برخی موارد بعد از زندانی و مقتولیت برخی از اسیران به این فکری فتنه‌گسسته سلطنت عدم مراجعت به منزل و نهاد علامت سلامتی به تشکیلات حتما دیگران از دستگیری آنها خبر شده اند و اینها بر این تملی تلفنی آسبیبی به کسی نخواهد داد. این در حالی است که مبارزین را از اقدامات دشمن که به‌خواه‌ده و احیاناً تشکیلات وی غیر سلامتی داده‌ای اطلاع است. چنین محاسبه‌ای اولین گام خطرناک در جهت دست‌آورد دشمن است و به دشمن امکان می‌دهد که فشار خود را برای تسلیم کردن زندانی به‌بقیه‌ها استیضای او افزایش دهد. در عین حال تجربه نشان می‌دهد که بعضی مبارزین اسیرتوانسته‌اند این شکرد دشمن را به فدا خود تبدیل کنند و از زندان رها شوند بدون خود را به همزمان با بیرون بفرستند. آنها به اعتبار داشتن قرار داد قبلی با همزمان و خانواده خویش از قهرمت پیش آمده در جهت عکس خواست دشمن بود چستند.

با یدر وی این نکته تکیه کرده که دشمن بر اساس تجارب خویش و خصوما کنترل ارتباطات لورفته مبارزین می‌تواند نوع علامت سلامتی را حدس و آرزای بخواد هدیها مرتبیبی که وی می‌خواهد عمل کنند. علاوه بر این دشمن، قسرد در بند را قبل از داد علامت سلامتی، برای فاش کردن نوع قرارهای سلامتی و خطر برفشار شکنجه قرار می‌دهد. انتخاب صحیح نوع علامت که حتی در صورت راقبت و کنترل قبلی ارتباطات قسرد غیر قابل کشف باشد، و مقابله و هویشی برای بنیان نگه داشتن این سز انقلابی می‌تواند این شگرد رژیم را به فدا خود تبدیل کند. بدین ترتیب دادن سلامتی از زندان تنها در صورتی هدف دشمن را خنثی می‌کند که قرارهای دقیق قبلی برای چنین مواردی پیش بینی شود. گاه دشمن می‌خواهد که مبارزین اسیر بوسیله نامه‌ها و ارسال گزارشات تشکیلاتی از درون زندان، تماس خویش را با همزمان ادامه دهد. در این مورد نیز به اعتبار قرارهای قبلی می‌توان نقشه دشمن را به فدا خود تبدیل کرد.

— در صورتی که دشمن در تسلیم مبارزان

ناکا می‌ماند، می‌کوشد یکی دیگر از همزمان ربه‌ده شده مرتبط با وی را به تسلیم واداشته و توسط وی سلامتی مبارزان اسیر را به بیرون اطلاع دهد. بستن راه دشمن در توسل به چنین اعمالی با زهم قرار داد قبلی است. بدین وسیله این حربه دشمن را نیز، علیرغم تسلیم کامل فرد دوم، می‌توان به فدا خود تبدیل کرد.

۸ - دشمن می‌کوشد بعضی افراد ربه‌ده شده را با استفاده از وسایل و شیوه‌های گوناگون سرپا به همکاری جلب کرده و سپس آنها را برای «نفوذ» آزاد نماید. اگر دشمن موفق به چنین کاری گردد، به فرد آزاد شده آموخته می‌شود که دستگیری وقت خود را از هم‌گس بنهان کند و در صورت روشن احتمالی آن، بطرق مختلف قضیه را توجیه کند و بگوید تشبیه با جای فرد دیگری دستگیر شده و یا بخاطر فعالیت قبلی با زداشت شده و چون موضوع مهم نبوده آزاد شده است. در مواردی نیز پلیس با جمع آوری اطلاعات در مورد خویش بعضی افراد معین، به آنها مراجعه و ضمن روگردن اطلاعاتی که خویش و یا تهدیدوار عا به ... درخواست همکاری می‌کند.

تجربه نشان می‌دهد که در بعضی موارد در گروگان گرفتن زن و فرزند بوستگان نزدیک از جمله وسایل رذیلاشه دشمن برای وادار کردن عناصر مرزمنده به فعالیت نفوذی بوده است.

برای مقابله با این روش‌های خصم، باید بطور مداوم مراقبت رفتار و روحیه افراد بود. تماس با عناصری که بعد از مدتی کوتاه آزادی گردید و وقتاً با قطع شده و تحقیقات معینی برای اطلاع دقیق از علل دستگیری و آزادی آنها بعمل آید. در عین حال باید هم‌مبارزی خود را موظف بدانند که هر نوع خواست و مراجه دشمن را در مورد خویش در اولین فرصت ممکن به اطلاع همزمان مسورد اعتماد خود برسانند.

۹ - مراقبت افراد شناخته شده: پلیس به منظور گسترش سرخها و اطلاعات خویش از شبکه‌های مخفی، بعضی فعالین و شبکه‌های انقلابی لورفته را تحت نظرمی گیرد و با عناصر مرزمنده و سز سلامتی دستگیر شده را بعد از مدتی آزادی کند. سپس از طریق یک روش مراقبت‌های نامحسوس و آرام می‌کوشد

به سرخ‌ها بی‌اعتمادی دیگر دین پیدا کنند. بارها متا هده شده که عدم مراجعه پلیس به شبکه‌های لورفته و فعالین شناخته شده، از جانب مبارزین نشانه سالم ماندن اطلاعات عنا صسر دستگیر شده تلقی گشته است. این خوش خیالی همیشه منشاء ضربات مهمی به سازمان‌های انقلابی بوده است. عناصری که به هر دلیل در معرض لورفته بودن بوده‌ای قبلاً برای پلیس شناخته شده‌اند، اگر می‌خواهند در جنگ دشمن گرفتار نشوند و به مبارزه فعال ادامه دهند باید بدون هیچ تعلل و تردیدی امکانات کار روزنگی خویش را به سرعت عوض کرده و از هرگونه تماس مستقیم با خانواده و امکانات شناخته شده، بفریبزند. در غیر این صورت قطعاً نفع مبارزه در این خواهد بود که آنها رابطه خود را با تشکیلات یک طرفه و به پلیس امکان دهند و آنها بنسوان سرپل فرزند به تشکیلات بچره برداری کند. در چنین صورتی قطعاً با یدر اطلاعات این افراد از تشکیلات پاک گردد. دشمن بطرق مختلف عنا مرشناخته شده را تحت نظر گرفته و به محض اینکه احساس کند آنها در دست تغییر محل زندگی و کار خویش هستند، یا آنها را سز بریما دستگیر و یا تحت مراقبت شدید که راهی از آن معمولاً امر بسیار مشکلی است، قسرد می‌دهد. بنابراین در شرایط کنونی، تغییر محل کار روزنگی و تدارک امکانات لازم آن با بدجستی برای هم‌بگان و همکاران پنهان بماند و بیکباره و ناگهانی ولی هم‌راه با توجیه مناسب صورت گیرد تا دشمن قادر فلنگیر شده و فرصت بیکگیری و عکس العمل پیدا نکند.

۱۰ - دستگیری گسترده: در اغلب موارد پلیس فاقد اطلاعات ضروری دستگیری کارکنان و فعالین شبکه‌های مخفی می‌باشد. در اعلامیه‌های اخیر به گرات مشاهده شده، که تعداد دکنبیری اعزازت درستی سز فعال و غیرفعال بطور همزمان و سرپس دستگیر شده‌اند، ما قبلاً نیز در این باره سخن گفته‌ایم. دشمن می‌کوشد با فشار شکنجه دستگیرشدگان به ممانعت دست یابد. در چنین مواردی، تشبیه راه موثر خنثی کردن هدف دشمن، دشمن، ندادن هیچ اطلاع جدید به وی از سوی دستگیرشدگان، علیرغم تمام مبلوفها و ترغیب‌های آنست.



رویدادهای جهان

خروج شش هنگ اتحاد شوروی از افغانستان

خروج ۶ هنگ از نیروهای باری رمان اتحاد شوروی از افغانستان از رویدادهای مهمی بود که پس از انقلاب به ماه گذشته پیگیری آن برای تحریف و مخدوش ساختن آن تلاش کرده اند. خارج شدن این بخش از نیروهای کمکی که از آنها به افغانستان بمنتظر خنثی کردن کوشش امپریالیست ها به صورت فزاینده ای در کشور انجام شده بود، بخشی از تلاشهای افغانستان و اتحاد شوروی جهت قبول دادن استقاده از راه مصلحت آمیز شوروی برای حل و فصل مسایل است. دولت انقلابی افغانستان و اتحاد شوروی در حال بررسی مصلحت های این اقدام هستند که امپریالیسم در اتحادیه ها همچنان بر گسترش جنگ داخلی در افغانستان و تلاش برای صدور انقلاب با فشار می کنند. خروج شش هنگ از نیروهای کمکی اتحاد شوروی از افغانستان در چارچوب برنامه وسیع تری برای بیرون راندن مجموع واحدهای اتحاد شوروی انجام گرفته است.

رفیق نجیب دبیبرکل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی مصاحبه ای در اوایل ماه گذشته در این باره گفته است: "اکنون برنامه خروج تمام واحدهای محدود نظامی اتحاد شوروی که در مورد این بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی توافق حاصل شده، موجود است. وی همچنین بر این امر تاکید کرد که این برنامه تصویبات مربوط به آن هنگامی به اجرا در می آید که در قدم اول، بسا خروج ۶ هنگ اتحاد شوروی، همه کسانی که مداخله و دخالت و جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را سازمان داده اند دست از اقدامات خود بردارند. علیرغم خروج ۶ هنگ از نیروهای اتحاد شوروی و تلاش های سازنده فوق الذکر امپریالیسم آمریکا جهت توطئه گری و مداخلات خود برای ادامه جنگ و کشتار مردم افغانستان ادامه می دهد. امپریالیست ها ز همان ابتدا، هنگامیکه تصمیم به خروج واحدهای اتحاد شوروی اعلام شد، کوشیدند از اعتبار و تاثیر این اقدام مهم به بهانه عدم اجرای آن بکاهند.

اما سرانجام مطابق برنامه اعلام شده خروج نیروها آغاز شد. ماشین تبلیغاتی امپریالیستی این بار با پیش از اخبار روایات دروغ مبنی بر ورود محرمانه ۱۵ هزار سرباز - تازه نفس بدون اراده کوچکترین سدرک - تا هادی مذبح خانه کوشیدند! فکر عمومی رادرجیت بی شک هرگز کامل اقدام مزبور سوق ندهند. بروجع است که این عملیات تبلیغاتی امپریالیست ها، نه تنها برای حفظ وضع متشنج موجود و ادامه جنگ اعلام نشده علیه افغانستان ساخته می شود، بلکه اهداف تنگ و زنگارانه دور و درازتری را نیز متجلی می سازد. واگذاری اسلحه های فوق مدرن و بمب افکن های اف ۱۶ قدریمه حمل بمب های اتمی به پاکستان نگرانی شدید کشورهای هندوستان و افغانستان را برانگیخت است. این اقدامات بخوبی نشان می دهد که امپریالیست ها، بویژه امپریالیسم آمریکا، بر خلاف افکار عمومی و خواست مستقیم توده های وسیع مردم منطقه و جهان، بی شرمانه به کار تحریک و مداخله گری ادامه می دهند. تحویل اسلحه های خنجرهای استیکر به بیادها و خنجرهای افغانی پاسخ امپریالیست ها و ارتجاع منطقه به تلاشهای انسانی و مسئولانه اتحاد شوروی و دولت افغانستان است. بدیهی است که دولت مردم افغانستان این کشور را در مقابل به دست یازدنی های امپریالیسم و ارتجاع برای صدور انقلاب تنها نخواهد گذاشت. دخالت خارجی در افغانستان و تلاش امپریالیسم و ارتجاع بمنتظر صدور انقلاب به این کشور با بد قطع گردد. این حقیقتی است که دشمنان افغانستان با بد آثر درک کنند.

انگلیس و آمریکا علیه سوریه

در ماه گذشته دولت انگلیس به بهانه ای واهی و اتهاماتی بی اساس بر رابطه سیاسی خود با سوریه قطع کرد و در تحقیقات آن آمریکا نیز که خود را پارس مفسد جویبی شرکت فعال داشت، سفیر خود را از سوریه اخراج کرد. انگلیس دولت سوریه را متهم کرده است که در یک ماجرای تروریستی دست داشته است و علت قطع رابطه دبیلمایک راهمدستی دولت سوریه در این ماجرا اعلام کرد. دولت سوریه ضمن محکوم کردن تصمیم گیری تحریک آمیز انگلیس آنها را متهم کرده و اعلام کرد که در درون این کشور در تائید نظر سوریه حتی برخی از محافل امپریالیستی و از آن جمله ژاک شبراک نخست وزیر فرانسه اعتراف کرده اند که سازمان میسدا اسرائیل این توطئه را سازمان داده است و بیسی برای دشمنان امپریالیست سوریه فراهم کند.

عمل خصمانه دولت محافظه کار ما رگارت تا چرخه علیه سوریه ادامه سیاستهای ماجراجویانه ای است که واشنگتن - تل آویو - لندن علیه کشورهای غرض جبهه پاداری اعمال می کنند. این اقدامات مستقیماً علیه مبارزه خلق های عرب منطقه، بویژه خلق فلسطین و کشورهای مستعمر است تا آنها را وادار کنند به راه حل های تسلیم طلبانه در برابر امپریالیسم گردن نهند. چندی پیش ریگان، این سرکرده تروریستی جهان، به بهانه اتهامات مشابه دستور حمله به لیبی را صادر کرد و هواپیما های جنگی آمریکا با تجاوز به حریم فضا لیبی، طرابلس را بمباران و بمباران دیگری از شهرهای لیبی را بمباران و عده زیادی از مردم بیگناه آن را به قتل رساندند.

پس از قطع رابطه انگلیس و سوریه تلاش گسترده دیپلماتیک از جانب دولت انگلیس و اسرائیل صورت گرفت تا دیگر کشورهای غربی را به حمایت از عمل خود و انجام اقداماتی علیه سوریه متقاعد کنند. در این رابطه انگلیس پیشنهادهای به کشورهای عضو سازمان ملل متحد ارائه کرد و طی آن از این کشورها خواست که تصمیمات ترکیبی علیه سوریه اتخاذ و به اجرا در آورند. وزیر امور خارجه ایالات متحده در این باره به در خواست انگلیس بمنتظر ممانعت در اجلاس در لوگزا مبورگ نتوانسته بودند تصمیم مشخص بگیرند، اینبار در اجتماع خود در لندن، در حالی که توضیح ها و فشارهای آمریکا را نیز برای سرخودا حس می کردند در اتخاذ تصمیماتی در جهت اعمال تحریم علیه سوریه به توافق رسیدند.

هدف کارزار تبلیغاتی گسترده ای که امپریالیسم برای انداختن است، ارباب دولت های فدا امپریالیست عرب است. اطلاعات بسیاری حاکی از آن است که اسرائیل با بهره گیری از وضع موجود در تدارک تجاوز نظامی جدیدی علیه سوریه است. مقامات آمریکا نیز از اقدامات اندک ممکن است هر لحظه علیه سوریه دست به اقدام نظامی بزنند. نقل و انتقال نیروهای نظامی و ناوگان آمریکا و انگلیس و ناوهای نظامی پیرامون سوریه، خبر از احتمال وقوع چنین توطئه هایی می دهد.

کره جنوبی: شعله های خشم خلق

بار دیگر مردم و دانشجویان کره جنوبی به خیابانها سرازیر شده اند. آنها با غریب شمارهای "آمریکایی به خانه ت برگرد" و "موتک بزرگم" دیکتا یون چون دو هوان "خشم و نفرت خود را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دیکتا توری دست نشانده آن به نمایش گذاشته اند.

رژیم دیکتا توری کره جنوبی که در یک بحران بزرگ اجتماعی - سیاسی دست و پا می زند، در برابر موج اعتراض مردم به سرکوب و بازداشت های دسته جمعی روی آورده است. تظاهرات و اعتراضات دانشجویان که نزدیک به یک ماه است در سئول پایتخت کره جنوبی و دیگر شهرهای دانشگاهی آن ادامه دارد، با خشونت شدید نیروهای سرکوب رژیم مواجه است. دهها هزار پلیس کره جنوبی مجزبه به سلاح های ویژه ضد شورش، در دانشگاهها و خیابانها و حیاطها به صفوف نظر هر کنندگان یورش می آورند تا کتون هزاران نفر از مردم بویژه دانشجویان دستگیر و روانه بازداشتگاهها شده اند. عملاً در پایتخت کره جنوبی حالت فوق العاده حکومت نظامی برقرار شده، بسیاری از رهبران اپوزیسیون حکومت بازداشت شده اند. فعالیت بزرگسالان سازمان کارگری غیرمجاز اعلام گردیده و به این سازمانها دستور داده شده که خود را منحل اعلام کنند. رژیم ضد خلقی کره جنوبی، از طریق سرکوب و انحلال سازمانهای کارگری فعالین جنبش کمونیستی و کارگری کره جنوبی راه هدف قرار داده و به اقدامات خود علیه کمونیستها ابعاد دشمن تری بخشیده است. یکی از مقامات دولتی کره صریحاً اظهار داشته که دولت قصد ریشه کن کردن (!) عناصر کمونیست را دارد. علیرغم تهدیدات رژیم دیکتا توری سازمانهای کارگری و سایر احزاب و سازمانهای اپوزیسیون که در جبهه ای بنام "جنبش متحد خلق" علیه رژیم و برای تأمین دموکراسی مبارزه خواهند داد.

در چند سال اخیر، این دومین بار است که رژیم دیکتا توری کره جنوبی آماج خشونت و اعتراضات سهمگین مردم، بویژه دانشجویان قرار گرفته است. این بار علاوه بر دانشجویان گروه بیشتری از اقشار و طبقات مختلف مردم و احزاب و سازمانهای اپوزیسیون کشور با به میگردان گذاشته اند. حضور شرکت آنان در اعتراضات و تظاهرات و پشتیبانی شان از دانشجویان نشان دهنده عمق، حد و گسترش مبارزه علیه رژیم دیکتا توری و بسته به آمریکا است.

اعدام انقلابیون در اندونزی

رژیم تبهکار اندونزی با ردیگر بر لیبیست بی شمعار جتا با خود افزود. جلادان رژیم جاکارتا سینه پرشش تن از مقام حزب کمونیست اندونزی را با گلوله های سربین شکار کردند و بار دیگر تبهکاری و وحشیگری خود را به نمایش گذاشتند. این اولین و آخرین جناح این رژیم نظامی نیست. رژیم سواها رتودستش به خون هزاران کمونیست اندونزی آغشته است. پیش از اعدامهای اخیر، تازه ترین تبهکاری این رژیم اعدام محمد منیر غفود فترسیا سی حزب کمونیست اندونزی، رئیس شورای ملی سازمان مرکزی اتحادیه های اندونزی و نائب رئیس فدراسیون اتحادیه های جهانی بود.

قریباً نهمین اخیر رژیم اندونزی که اکثر آنها بیش از ۶۰ سال سن داشتند، کمونیست ها بیسی بودند که بین ۵ تا ۲۰ سال در سیاهچالهای رژیم بصری بر بندورنج و شکنجه خردکننده ای را متحمل شده بودند. با این وجود آنان بسا سربلندی در مقابل کینه توری دشمنان سرمد ایستادند و پیرامون و آرمان خودیای نشردند. رژیم نظامی جاکارتا که در سال ۱۹۶۷ بسا کودتای نظامی سرکار آمده است، تاکنون بسا به جنایات بی سابقه ای علیه کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی دست یازیده است. تبهکاری اخیر رژیم نظامی، موج جدیدی از انجزارونفرت در سراسر جهان علیه این رژیم را برانگیخته است. احزاب کمونیست و کارگری که در کنفرانس بین المللی سکوبرای مشاوره پیرامون موضوع "طبقه کارگران معاصر" گرد آمده بودند، به درخواست حزب کمونیست اندونزی پاسخ مثبت گفته و رژیم اندونزی را محکوم کردند و خواستار اعاده حقوق انسانی و آزادیهای دموکراتیک در این کشور شدند. مطبوعات جهان نیز این "شکار خونین کمونیستها" را توسط رژیم سواها رتو محکوم کردند.

هم اکنون عده زیادی از کمونیستهای اندونزی در معرض خطر اعدام قرار دارند. رسلان ویجا بسا (دبیبرکل حزب کمونیست اندونزی) و دبیبرکل پیشین اتحادیه سندیکایی اندونزی (۷۰ ساله) و اسکندر سوکتی (عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی - ۶۵ ساله) از جمله کسانی هستند که نزدیک به بیست سال است در اسارتگاههای رژیم سواها رتو بصری برند و اکنون جلادان رژیم قصد اعدام آنان را دارند. سازمان ما این جنایات تکان دهنده سیاست کمونیست کنی رژیم تبهکار سواها رتو محکوم کرده، از همه نیروهای ترقیخواه کشور ما می خواهد تا همدا با همه مردم ترقیخواه جهان به دفاع از کمونیست های اندونزی و نیروهای مترقی در بند برخیزند.

سرکوب و اعدام انقلابیون در بحرین

اخیراً رژیم ارتجاعی و دست نشانده بحرین که در گرداب یک بحران عمومی دست و پا می زند، برای خوش خدمتی بیشتر به انحازات امپریالیستی و تأمین منافع آنان به اعمال فشارهای بیشتر به نیروهای آزادیخواه میهن پرست روی آورده است. در بحرین هیچ حزب سیاسی اجازه فعالیت قانونی ندارد و عمل رژیم ترور و اختناق حاکم شده است.

چندی پیش عده کثیری را به اتهام مخالفت با حکومت و مبارزه بخاطر تأمین آزادیهای دموکراتیک بازداشت کردند. ما مورین اطلاعاتی از رژیم دکتراشم اسماعیل العلوی یکسی از بازداشت شدگان را زیر شکنجه به قتل رسانده است و ۱۶ روز پیش از آن رضی مهدی ابراهیم که اونیز زندانی سیاسی بود توسط دژخیمان رژیم بحرین بشهادت رسید.

"جبهه آزادیبخش ملی بحرین" اعلام کرده است که بسیاری از زندانیان سیاسی در خطرند است. آنان در زیر شکنجه های شدید قرار دارند. جبهه آزادیبخش ملی بحرین همه احزاب، سازمانها و شخصیت های آزادیخواه کشورهای منطقه و سراسر جهان را فراخوانده است که علیه قتل دکتراشم اسماعیل العلوی و دیگر سر جتا با رژیم بحرین اعتراض کنند و خسواهان قطع فوری بازداشت های غیرقانونی و قطع اعمال شکنجه و قتل زندانیان سیاسی گردند. کمیته مرکزی سازمان ما با ارسال پیام به جبهه آزادیبخش ملی بحرین، ضمن ابراز نفرت از اعمال دژمنشانه رژیم بحرین مراتب حمایت خود را از مبارزات آزادیخواه مردم و جبهه آزادیبخش ملی بحرین اعلام داشته است.

### مشکلات و مبارزات دانشجویان

۱۶ آذر، روز دانشجو، سبیل ۵۵ سال مبارزه دانشجویان ایران علیه رژیمهای ستمگر و امپریالیستیهای حامی آنهاست. رژیم خمینیستی از نخستین روزها کمیته خود، تدارک سرکوب خوین جنبش انقلابی دانشجویی و محو همه دستاوردهای آن و همچنین تحمیل جوپوسیده حوزه های علمیه بر دانشگای را آغاز کرد. در جریان بورش خونین به دانشگایها، هزاران دانشجوی گمنام نیست، انقلابی و مبارزان و دانشجو و شکنجه و بزه آنسان بسیاری اعدام شدند. نزدیک به ۲۰ هزار دانشجو و هزاران دانشجو از دانشگایها اخراج گشتند. چنانچه برای رژیم خمینی در حکومت ۷ ساله اش نسبت به دانشجویان مرتکب گردید، بکلی در کشور مابقی باقی نماند.

ارتجاع تمام حقوق دانشجویان را زیر پا نهاد. حق کوچکترین فعالیت سیاسی غیر دولتی را از آنان سلب کرده است. قوانین ارتجاعی، تحقیرآمیز و فاسدسازی بویژه نسبت به دختران دانشجویان اعمال می شود. اعمال رژیم در انجمنهای اسلامی و سایر نهادهای ارتجاعی، دانشجویان را به مراکز جاسوسی بدل کرده و کوچکترین حرکات دانشجویان را کنترل می کنند. دانشجویان حق هیچگونه تشکیلی ندارند. خطر ارتجاع با زدا شد و شکنجه درسیا هجایها رژیم همواره آنها را تهدید می کند. از همین جنگ، بویژه از آغاز سال جاری، زندگی دانشجویان را به تنهایی کشانده است. رژیم فعالیت عادی دانشگایها را تعطیل کرده و به زور سرپوشیده دانشجویان را به جبهه های مرگ می فرستد. مقاومت در برابر اعزام با خوارمرومیت تمام اعزاز داده تحمیل و با زدا شد و شکنجه همراه است.

کمیته علمی دانشگایها پس از "انقلاب فرهنگی" به نحو فاجعه باری سقوط کرده است. رژیم می گوید دانشگایها را از خلایق علمی شهی کرده و خرافات و افکار پوسیده و فاسد علمی و ارتجاعی را در آنها رواج دهد تا آرزوی دیرینه روحانیت مبنی بر "بیوند دانشگای حوزه" عملی گردد. این سیاست به بحران عمیق آموزش عالی منجر شده است.

شرایط زندگی دانشجویان با سرعت بی باقهای به وخامت می گراید رژیم از تامين حداقل خواسته های رفاهی دانشجویان نیز سر باز می زند. دستهای هزاران دانشجو با مشکل مسکن مواجه اند. برای ۱۵ هزار دانشجو شهرستانی دانشگای تهران - مدنی پراگانگات ترین دانشگای ایران - تنها خوابگاههایی با ظرفیت ۵۰۰ نفر وجود دارد.

انبوه دانشجویان شهرستانی با هزینه های کمترین و هزاران مشکل مجبور به اقامت در مسافرخانه ها هستند. ترک تحصیل بر اثر نبود مسکن بویژه در میان دختران دانشجو افزایش یافته است. خوابگاهها به سر باز زده شبیه اند. در خوابگاههای ۵۰۰ نفری دانشگای تهران ۲۶۲۰ نفر جا داده شده اند. عدم بهداشت و خدمات ضروری موجب شیوع انواع بیماریها و از جمله بیمساری پوستی "گال" شده است. وضع غذایی دانشجویان چنان خراب است که خود مسئولین دانشگایها اعلام داشته اند اکثر دانشجویان شهرستانی بعلت سوء تغذیه دچار بیماریهای مختلف شده و تحرک جسمی خود را از دست داده اند. به هر دانشجو روزانه ۹ گرم گوشت می رسد، در حالی که حداقل استاندارد ۱۰۰ گرم است.

رژیم می گوید مبارزات دانشجویان برای احقاق حقوق خود را بپرچمانه سرکوب کند. اما پیشتر این هدف هر روز با ناگامی بیشتری مواجه می شود. تشنگی و دوا له آخیردها تظاهرات و اعتراض علیه جنگ و اعزام دانشجویان به جبهه ها - علیه اختناق در محیط های دانشگای و بخاطر حقوق صنفی - رفاهی و آموزشی اتفاق افتاده است. سطح علمی مبارزات دانشجویان علیه رژیم سرکوب بهرحمانه و خونین جنبش دانشجویی نشان عفتی تنفرد دانشجویان از رژیم خمینی است. روند انزوا ی رژیم در دانشگایها با شدت یافته است. پشتیبان عمده رژیم در دانشگایها جاسوسان و مزدورانی هستند که رژیم بنام "دانشجو" وارد دانشگای کرده است. انجمنهای اسلامی بعنوان بازوی اصلی سرکوبگری ارتجاع هیچ حیثیتی ندارند و نشان در ردیف نسام ساواکی های دوران شاه قرار گرفته است.

اختلاف دستبندی و کشاکش در میان این نهاد ارتجاعی نیز اوج گرفته است. از آغاز سال تحصیلی جدید با اکثرین مقامات رژیم از جمله خاندانهای موسوی در پیامهای خود انجمنهای اسلامی را به وحدت و قطع اختلاف فرا خوانده اند، اما علیرغم آن تفا در میان انجمن های اسلامی

که بازتابی از تفاذهای جناحهای مختلف حکومتی است، گسترش یافته است. این تفاذهای نشانه بحران درون انجمن ها و روند فروپاشی ناگزیر آنهاست.

مشخصه وضع فعلی دانشگایها، از یک سو تشدید بحران در نظام آموزش عالی و شدت بافتن اختلاف در میان نهادهای اداری و پلیسی حکومت در دانشگای و از سوی دیگر گسترش تارفا پستی و مبارزات دانشجویان است. این شرایط وظایف مهمی را بر عهده دانشجویان آگاه قرار داده است. دانشجویان باید همه امکانات خویش را در جهت احیای جنبش انقلابی دانشجویی و تامين جاگایه شایسته و فعال آن در جنبش خلق بکار گیرند. بسیج سازماندهی دانشجویان حول شعارهای صلح و آزادی، اعتراض علیه اختناق حاکم بر دانشگایها و بخاطر انحلال انجمن های اسلامی و تشدید مبارزات صنفی دانشجویان بمنظور مقابله با وخامت روزافزون شرایط زندگی و تحصیل دانشجویان از اهم وظایف دانشجویان است. عمده ترین ضعف مبارزات دانشجویی در شرایط فعلی، فقدان تشکیلات صنفی - سیاسی است. عدم وجود چنین تشکیلاتی که بتوانند رهبری مبارزات دانشجویان را بعهده گیرند، باعث شده است که این مبارزات پراکنده و محدود باقی مانده و از یکپارگی و اتحادیت لازم با زمانه، یکی از عمده ترین وظایف دانشجویان انقلابی مبارزه برای رفع این فساد اساسی است. بهمین منظور دانشجویان پیشرو باید ایجاد و تحکیم هسته های مخفی دانشجویی اقدام کنند. این هسته ها که با شرکت عناصر محدود و انقلابی بطور مخفیانه تشکیلی می شوند، در شرایط فقدان تشکیلات دموکراتیک و علنی، وظیفه هدایت و رهبری مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویی را بر عهده دارند و در واقع جانشین رهبری سازماندهی صنفی و سیاسی دانشجویان، در شرایط مبارزه مخفی هستند. ایجاد، گسترش و تحکیم این هسته ها به دانشجویان کمک خواهد کرد که مبارزه علیه رژیم را سازمان یافته تر و هماهنگ تر سازند.

### ورزش دوستان در برابر رژیم

شکست نتایج آوری رژیم ایران در بازیهای آسیایی سئول، بار دیگر گرانده جمهوری اسلامی در ورزش ایران را در پیش چشم همگان آشکار کرد و به "بحران ورزش" نام زد. این شکست بهانه ای برای گسترش اعتراضات علیه رژیم خمینی شد در جریان مسابقات ۴ تن از ورزشکاران ایرانی بعنوان اعتراض به جنگ و سیاستهای خائنانه رژیم، از بازی گشت به میهن خسرو داری کردند. ۱۴ تن از فوتبالیست های تیم ملی نیز در اعتراض به سیاستهای ارتجاعی با انشمار نامه ای از رژیم ملی استعفا دادند. رژیم به تلافی این اقدامات چند تن از ورزشکاران اعزامی به مشول راستگروروانه زندان کرد و برای جلوگیری از دستگیری های بیشتر، کلیه مسافرت های تیم های ورزشی ایران به خارج از کشور رالغو کرد.

نقطه اوج اعتراضات، در جریان یک مسابقه فوتبال در ۱۸ مه اتفاق افتاد. دهها هزار جوان خشکین پس از خروج از ورزشگاه آزادی با مشتای گره کرده و فریادهای "مرگ بر خمینی" دست به تظاهرات زدند. پاسداران سرکوب رژیم بهسایر بورش وحشیانه به صفوف تظاهراتندگان دهها نفر را مجروح و عده کثیری را دستگیر کردند. سران رژیم با وفاحت کم نظیری کوشیدند که تقصیر این تظاهرات را به گردن "شرکت واحد" بیا نندازند. اما کیست نداننده که این تظاهرات، تظاهرات علیه ادمه جنگ، سرکوب اختناق، شکنجه زندانیان سیاسی و فقر و سیه روزی توده مردم بود. تظاهرات ۱۸ مه را در تظاهرات ۲ سال پیش دهها هزار جوان در استادیوم امجدیه بود و یکبار دیگر نیروی اعتراضی عظیمی را که در میان جوانان ورزشی - دوستان نهفت است، نشان داد. این تظاهرات

نشان داد که رژیم خمینی نه تنها نتوانسته است اعتراض در محیط های ورزشی را خاموش سازد، بلکه با انواع اقدامات ارتجاعی خود روز به روز به این اعتراضات دامن نیز زده است.

ورزشکاران شریف و آزاده ایران همراه با میلیونها جوان خواهان شگوفای و نیرو سندی ورزش، گسترش آن در سطح جامعه و دستیابی کامل کاروانهای ورزشی به بیک صلح و دوستی بین ملتها در عرصه جهان هستند. اما ورزش ایران در شرایط و لایه های فاسد و فاسد، ناتوان و در عرصه بین المللی به آبرو و مبلغ جنگ و پورسانت صنفی خود است. رژیم سرپوشیده پاسداران ارتجاعی خود را بر محیط های ورزشی و استادیومها حاکم گردانده است. مشتاقان ورزشی ایران را بر راس سازمان تربیت بدنی و فدراسیونها نشاند، بسیاری از رشته های ورزشی را تعطیل و ورزش زنان را نابود ساخت، به جای فعالیتها و ورزشی ریش و تسیح و پیروی از معیارهای ارتجاعی و لایه فاسد را به محیط ورزش تحمیل کرده است. ورزشکاران معترض را مورد انواع بیکر و سرکوب قرار داده و به زندان انداخته است. استادیومها را به برای شکار اعزام جوانان به جیبه بدل کرده است. رژیم، ورزش را در "نجم" به بند کشیده، افتخارات ورزشی ایران را بر باد داده و جز شکست های سنگین انمان دیگر چیزی به همراه نیاورده است. دشمنی رژیم بهسایر ورزش از ما هیت به عقاب ارتجاعی و عقب مانده جمهوری اسلامی سرچشمه می گیرد. این رژیم گریزناک از تعطیل تمام فعالیتها و ورزشی نیز با بسی ندا و راهنوز نتوانسته این سیاست ارتجاعی را تا به آخر پیش ببرد. تنها بدلیل اعتراضات است که علیه آن صورت گرفته و می گیرد.

مبارزه علیه رژیم خمینی در محیط ها و محافل ورزشی به اشکال گوناگون گسترش می یابد. ورزشکاران در این عرصه نقش مهمی بر عهده دارند. اعتراضات آنان همانگونه که تا کنون دیده ایم، وسیعاً زتاب می یابد و مورد حمایت مردم قرار می گیرد.

کار در محیط های ورزشی، سازماندهی انواع مبارزات کوچک و بزرگی که هر روز در جریان مسابقات و با توسط ورزشکاران صورت می گیرد و تبدیل این اعتراضات به مبارزه ای گسترده و فعال علیه رژیم، یک وظیفه مهم است. باید از نفوذ گسترده ورزشکاران در میان جوانان بنوا حسن استفاده کرد. با عنا صرب و پرو انسان ارتباط برقرار کرد و از طریق آنها مبارزات روسیه گسترش ورزشکاران و ورزش دوستان را هدایت کرده، با نقیاط طبیعت بخشد و آنها را متوجه کسل رژیم ارتجاعی ساخت. همه واقعتاً نشان می دهد که میدانها و محیط های ورزشی می رود تا به یکی از عرصه های فعال مبارزه علیه رژیم درآید.

### انتشار یاد دهمین شماره

### آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم

شماره جدید نشریه "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" منتشر شد (شماره ۱۱ - شهریور ماه سال ۱۳۴۵). مطالب این شماره عبارتند از:

- ۱ - فرارویش انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی - نوشته کلیوف
- ۲ - استراتژی اتحاد های طبقاتی (قسمت اول) نوشته گ. گ. اولوف
- ۳ - ایدئولوژی طبقه با لند - نوشته جمعی از نویسندگان اتحاد شوروی
- ۴ - ترکیب اسلام و مبارزه سیاسی - نوشته دیمیتری میره می یف
- ۵ - میزگرد: انقلاب و اصلاحات در شد ملی کشور های خاور

شرکت کنندگان کشورگی کیم، سیمون آقا یف ولادیمیرا کسیمینکو، نوداری سیمونیسسا، کشورگی میرسکی، ولادیمیر خوروس

یازدهمین شماره "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" بعد از وقفه چند ماهه منتشر شده است. مطالب نشریه "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" از تشریفات و کتب منتشره توسط احزاب کمونیست و گراگری و نیز از نشریه "بررسی مارکسیستی جهان" انتخاب و ترجمه می شود. آشنایی و اخذ تجارب کمونیست های سایر کشورها در پیکارشان علیه امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی می تواند به آگاهی انقلابیون میهن ما غنا بخشد. بسیاری از مطالب نشریه "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" به سبیلی مربوط می شود که در بین نیروهای چپ مورد مباحثه است. این نظر می تواند در خدمت تدقیق و ارتقاء این مباحث قرار گیرد.

آدرس: P.O. Box 1001 WIEN AUSTRIA

اگرچه: AUSTRIA - WIEN BAWAG HR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD 'ARTHER

مسابکن: AUSTRIA - WIEN BAWAG HR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD 'ARTHER

# پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!